

توضیحات مقدمه

سلطان عصر حضرت محمد بن حسن العسکری علیہ السلام

به نواب اربعه :

عثمان بن سعید اسدی

محمد بن عثمان بن سعید عدی

ابو الفاس بن سید روح بن نجی

ابو الحسن علی بن محمد سیمی

وکیل خود و علت طول عمر

تالیف :
جعفر وجدانی
وکیل اسدی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام نامی حضرت حُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ امام زمان
صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ .

چون اخیراً بین بعضی از طبقات بالاخص جوانان و
افرادیکه چندان تحقیق و مطالعاتی درمسائل مهمه دین و
آئین خود ندارند در موضوع طول عمر و توقیعات و مرقومات
و نَوَاب و کلاهی حضرت حُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام بَحْث و
فحص بسیار میشود ، بدین سبب بمنظور هدایت و راهنمایی
و ارشاد ایشان لازم دانستم تا مطالعات دقیق عمیق خود را

که از قرآن مجید و کتب معتبره و نوشته های علمای اعلام ، و مراجع عالی علمی تحصیل نموده ام در اختیار عموم قرار داده تا **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى** مورد استفاده واقع و در پیشگاه حضرت ولی **عَصْرَ عَجَلُ اللَّهُ تَعَالَى** فرجه مورد قبول افتد **آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ** .

این کتاب را بدو قسمت تقسیم مینمایم : قسمت اوّل در طول عمر قسمت دوّم در توقیعات و مرقومات و شرح حال نوآب آنحضرت (ع) .

قسمت اوّل در طول عمر - برخی از مردم دارای دو عقیده هستند عدّه ای میگویند عمر بسیار زیاد اصلاً صحّت ندارد ، بعضی هم میگویند برفرض صحّت وقوعش محالست و بعید بنظر میرسد اما کسانیکه وقوع عمر دراز را بعید یا محال میدانند با توجه بدلائل عقلی و نقلی در اشتباه میباشند زیرا علت درازی و کوتاهی عمر را نمی دانند ، علت پیدا شدن عمر دراز چیست ؟

حقیقت عمر و استمرار زندگی هر صاحب حیاتی منوط به اراده حضرت باریتعالی میباشد چنانکه در آیه ۱۲ سوره فاطر خداوند میفرماید :

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا

تَحْمِلُ مِنْ أَنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَ مَا يُعْمَرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عَمْرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

یعنی (خدا آفرید شما را از خاک پس از نطفه پس گردانید شما را جفت ها و برنمیدارد هیچ مؤنثی و نمینهد جز بعلم او و عمر داده نمیشود هیچ عمر داده شده ای را و کم کرده نمیشود از عمرش جز آنکه در کتاب است بدرستیکه آن بر خدا آسان است) و نیز در آیه ۷۲ سوره نحل فرموده:

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يردُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لَكِي لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

یعنی (خدا آفرید شما را پس می میراند شما را و از شما کسی است که رد کرده میشود بسوی فرومایه تر عمرتانند پس از دانستن چیزی بدرستیکه خدا دانای تواناست) و در آیه ۴۵ سوره انبیاء و آیه ۵ سوره حج و آیه ۴۵ سوره قصص همچنین بالصراحه تطویل و تقصیر کمی و زیادتی عمر را بخود جَلَّ شَأْنُهُ نسبت داده است حال اسباب و عللیکه موجب کوتاهی و درازی عمر میشود؟ البته علل و اسباب زیادتی وجود دارد من جمله تغذیه استفاده از هوای تمیزآزاد آرامش خاطر رعایت بهداشت که اینها نیز باز وجود و عدمش در

ید قدرت خداوند است که هر فردی میتواند در اثر فعالیت و کوشش و خواستن و اراده توفیق حصولش را از خداوند خود بخواهد حال اگر خدا این وسایل را بطور مستمر در اختیار کسی قرار دهد عمر طولانی مستمر خواهد نمود و اگر بطور موقت قرار دهد بدیهی است عمر کوتاه و موقت خواهد کرد و بطوریکه از آیات فوق استنباط میشود آثار کبر سن از قبیل ضعف و ناتوانی و سایر عوارض آن ایجاد و عدمش تحت قدرت کامله او میباشد .

دلایل نقلی طول عمر - دلایل نقلی طول عمر بسیار است چه در قرآن مجید و چه در کتب معتبره علمای شیعه و سنی و سایر مذاهب و تواریخ و چه در عصر حاضر در جراید و مجلات مؤثقه که اکنون نمونه چندی از هر یک را جهت استحضار خوانندگان محترم مینویسم .

۱ - آیه ۱۳ سوره عنکبوت خداوند در باره عمر

حضرت نوح نبی (ع) میفرماید :

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ
إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ .

یعنی (به تحقیق فرستادیم نوح را بسوی قومش پس

درنگ کرد در ایشان هزار سال جز پنجاه سال پس گرفت
ایشان را طوفان و ایشان بودند ستمکاران) .
پس طبق آیه فوق حضرت نوح نهصد و پنجاه سال
عمر کرد .

۲- حضرت خضر (ع) .

که نام اصلی او تالیاً ابن ملکاً ابن غابر بن ارفحشد بن
سام بن نوح است ، که در قرآن مجید آیه ۱۴ سوره کهف
خداوند بنام بنده ای از بندگانش نام برده .

آیه ۱۴ ((فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتِينَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا
وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا)) .

یعنی پس یافتند بنده از بندگان ما را که داده بودیم
اورا رحمتی از نزد ما و آموخته بودیم اورا از نزد ما
علمی .

زائد از صدها سال است که زنده است و مادامی که
اراده حق تعالی تعلق پذیرد او زنده خواهد بود که این
خود بزرگترین مدرک و دلیل بر طول عمر است، آنها یه
منوط بخواست خداوند منان است و بنا بر اخبار و رده از
حضرت امام صادق علیه السلام علت طول عمر او نه برای

دادن مقام نبوت بوده و نه جهت نزول کتابی برای او و نه شریعتی و نه برای اعطا مقام امامت بلکه در علم ازلی میزان و اندازه عمر حضرت قائم (ع) و ایام غیبت آنحضرت گذشته بوده و میدانسته که برخی از بندگان طول عمرش را انکار خواهند کرد لذا عمر حضرت خضر را طولانی فرمود که بطول عمر او بطول عمر حضرت قائم (ع) استدلال گردد .

۳- عَلِيُّ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ خَطَّابِ بْنِ مَرَّةَ بْنِ مُؤَيْدٍ است که یکی از معمرین است و شیخ صدوق رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از قول عبدالله بن محمد بن عبد الوهَّاب شجری روایتی درباره طول عمر او در کتاب کمال الدین آورده که بطور اختصار نقل میشود در سال سیصد و نه هجری قمری مردی را از اهل مغرب با اولاد و اولادها و بزرگان اهل شهرش در رم با موهای سیاه ، و گفتند ما از اهل دورترین شهرهای مغرب که باهره علیاست میباشیم ، باو گفتیم حضرت علی بن ابی طالب (ع) را دیده ای چشمهای خود را در حالیکه ابروهایش انرا پوشانیده بود ، باز کرد ، گفت : بله با همین چشمها آنحضرت را دیده ام من خدمتگذار او بودم و این جراحی که بر سر من رسیده است از صدمه اسب او است و اثر جراحی را که بر

ابروی راستش بود بما نمود و کلیه فرزندان و نوادگان و
 عشیره اش در باب طول عمر او شهادت دادند و گفتند از
 زمانیکه خود ما را شناخته ایم او را بهمین حالت دیده ایم
 و نیز از آباء و اجداد خود ما هم احوال او را بهمین نهج
 شنیده ایم بعد ما سر سخن را باز کرده و سبب طول عمرش
 را پرسیدیم تمام سئوالات ما را از روی عقل و ادراک دقیقاً
 جواب میداد چنین نقل نمود ، گفت پدرم در کتابهای قدیم
 مطالعاتی داشت و خوانده بود که در شهر ظلمات نهر آب
 حیوان وجود دارد که هر که از آن بیاشامد عمر طولانی
 خواهد نمود روزی مرا برداشته با مقداری توشه و دو شتر
 جوان نه ساله که قوتشان زیاد است و چند شتر شیرده و چند
 مشک آب عازم سفر شدیم من آنوقت سیزده ساله بودم پس از
 طی شش شبانه روز راه بشهر ظلمات رسیدیم و در بین کوهها
 و بیابانها منزل نمودیم تا اینکه آبهاییکه برداشته بودیم به
 شتران خوراندیم و تمام شد و اگر شتران بما شیر نمیدادند
 تلف میشدیم پدرم در جستجوی آب حیوان هر سو میگشت
 و دستور داد بما که در بین راه آتش روشن بکنیم تا هنگام
 مراجعت گم نشویم و در حدود پنج روز در آن مکانها متوقف

بود یم پدرم هرچه میگشت آبی پیدا نمیکرد بعد از ناامیدی قصد مراجعت نمود چون غذا و آب تمام شده بود و چاره‌ای جز برگشتن نداشتیم در آن اثنا من برای حاجتی از منزل بیرون رفتم همینکه چند متری دور شدم به نهر آبی رسیدم که طعمش شیرین و لذیذ و رنگش سفید بود و باملا یمت جریان داشت نزدیک نهر رفتم در حدود دو یاسه مشت از آن خوردم فوراً بخانه برگشتم و مزده آب را در آن محل دادم مشکها را برداشته و از شدت سرور و شادی پدرم را دیگر خبر نکردم و بسوی آب با خدمتکاران پیش رفتیم اما هرچه گشتیم دیگر آب را پیدا نکردیم خدمتکاران مرا تکذیب کردند و برگشتیم پدرم آمده بود قصه را برایش شرح دادیم گفت افسوس همان آب حیوان بوده و تمام زحمات ما از بین رفت و توازان نصیبت شد و من محروم شدم بعد از این تو عمر طولانی خواهی کرد بقدری که از زندگی سیر شوی سپس بوطن خود مراجعت نمود یم پدرم بعد از این جریان چند سالی بود بعد فوت نمود همینکه سن من نزدیک به سی سال رسید خبر فوت حضرت رسول اکرم (ص) و خلیفه اول و ثانی را بما دادند آنگاه در آخر خلافت عثمان عزم حج نمودم و در بین اصحاب

حضرت رسول (ص) دلم مایل بحضرت علی بن ابیطالب (ع) مایل شد در خدمت آنحضرت ماندم و در جنگها و دعواها حاضر بودم ، این جراحت که می بینید در جنگ صفین به سر من رسید و نزد آنحضرت بودم تا بدار البقا تشریف بردند بعدا اولادها و کسانش اصرار کردند که نزد آنها بمانم ولی قبول نکردم و بوطن خود برگشتم تا زمان خلافت بنی مروان دوباره قصد زیارت خانه خدا و حج را نمودم و اینجا آمدم و تا حال اینجا هستم و گاهی سلاطین مغرب مرا می خواهند و از طول عمر و جهاتش از من سئوالاتی میکنند ، و گفتند انهای من تا حال دو سه مرتبه ریخته و در آمده اند بعدا از او خواستم چیزهایی را که از امیر المؤمنین (ع) شنیده شرح دهد گفت در آن زمانیکه خدمت آنحضرت بودم حرص و همتی برای تحصیل علم نداشتم و آنچه شنیده ام بسلاطین و علمای مغرب و مصر و حجاز گفته ام که اولادهای من همه را نوشته اند که اکنون قسمتی از آنها را برای شما میخوانم .

خبر داد بما ابو الحسن علی بن عثمان بن خطاب بن

مرّه مؤید همدانی معروف بابی الدنيا معمر مغربی رضی

اللّه عنه که خبر داد بما علی بن ابی طالب (ع) به اینکه

رسول خدا (ص) فرمود هر که اهل یمن را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که ایشان را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و نیز گفت رسول خدا (ص) فرمود : هر کس از شخص دل شکسته ای دلجوئی نماید خداوند ده حسنه برای او می نویسد و ده سیئه^۱ او را محو میکند ، و ده درجه او را بلند میکند ، بعد فرمود هر کس حاجت مسلمانی را برآورد که صلاح او و رضای خدا در آن باشد انگار که هزار عبادت کرده ، و یک طرفه العین معصیت نکرده ، و نیز خبر داد ابو الدنیا که حضرت علی (ع) فرمود : درد عوای خیبر من بیست و پنج زخم برداشتم ، و حضرت رسول اکرم همینکه مرا مشاهده فرمود بسیار بگریست و از اشک چشم مبارکش بزخمهایم مالید و همه شفایافت و نیز خبر داد ابو الدنیا که حضرت علی علیه السلام فرمود پیغمبر خدا (ص) فرمود هر کس یک مرتبه سوره قل هو الله احد^۲ را بخواند مثل اینست که یک، ثلث قرآنرا خوانده و اگر دو مرتبه بخواند دو ثلث قرآن و اگر سه مرتبه بخواند تمام قرآنرا خوانده است .

۴- حضرت آدم علیه السلام که قریب هزار سال در

دنیا عمر کرده و حوا^۳ نیز در همین حدود .

۵- شیث پسر حضرت آدم (ع) هفتصد و چهل سال
چهل روز زندگی کرده .

۶- انوش پسر شیث هفتصد و پنجاه سال عمر کرده .

۷- هرقیان پسر انوش هفتصد و پانزده سال در جهان

بوده .

۸- عاد کبری سه هزار و پانصد سال زندگی کرده .

۹- حضرت ایوب (ع) صد و هشتاد و چهار سال عمر

فرموده تعداد معمرین که زائد از دویست حتی هزار سال

عمر کرده اند بسیار است ، فقط من باب مثال چند نفری را

نو شتم حتی اخیرا در جرائد و مجلات ایران از بسیاری از

معمرین که عمر طولی نموده و هنوز زنده اند یا پس از صاحبه

چند سال بعد فوت شده اند نام عده کثیری را خوانده ام

که چند نمونه آنرا ذکر میکنم .

۱- در روزنامه^۶ اطلاعات شماره^۶ ۱۵۳۸۹ مورخه

سه شنبه ۲۵ مرداد ماه ۳۶ نام مردی را که زائد از ۱۲۱ سال

عمر کرده با اسم سید محمد ذوالفقاری ساکن رضائیه با شرح

مبسوطی نوشته شده .

۲- در شماره^۶ ۱۷۹۱۵ روزنامه^۶ اطلاعات مورخه یکشنبه

۱۴ آذرماه ۳۵ نام زنی را با اسم بانوعصمت که هنوز زنده است
 وزائد از ۱۲۰ سال عمر کرده با تفصیل نوشته اند .

۳ - در روزنامه^۶ اطلاعات شماره^۶ ۱۱۲۱۵ مورخه چهار
 سنه ۲۴ شهریور سال ۳۵ نام یکی از معمرین را که زائد از
 ۱۶۸ سال عمر کرده و نامش شیرعلی مسلم اوف میباشد با
 توضیح باینکه بسیار سالم و تندرست است با تفصیل نوشته اند
 و نیز اطلاع داده اند که در یکی از دهکده ها با اسم لیاشی
 افرادی بالای سن ۱۴۰ سال وجود دارند و در بعضی از
 روستاهای شوروی انسانهایی که بالای ۱۰۰ و زائد از ۲۰۰
 سال دارند زندگی میکنند که بسیار سالم و در مسابقه های دو
 هم از همه جلو تر میزنند ضمنا باید دانست کثرت و قلت عمر
 منوط بخواست خداوند است چه پیغمبر باشد چه امام و چه
 فرد عادی مثلا حضرت آدم علیه السلام هزار سال عمر کرده و
 حضرت عیسی علیه السلام حدود ۳۳ سال عمر نموده در صورتی
 که هر دو پیغمبر بوده اند ، و نیز حضرت امام محمد تقی
 امام نهم علیه السلام ۲۵ سال عمر فرمودند و حضرت امام
 جعفر صادق امام ششم علیه السلام عمر شریفشان ۶۵ سال
 بوده و امام زمان حضرت حُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

تا امروز که روز ۱۵ ماه رمضان المبارک ۱۳۹۷ هجری قمری است از سن مبارکشان ۱۴۲ سال و یکماه میگذرد و مادامیکه اراده حضرت احدیت تعلق پذیرد حتی و زنده خواهند بود و بفرمان خداوند متعال در موقع مقتضی ظهور خواهند فرمود
 اِنْشَاءُ اللّٰهِ تَعَالٰی .

قسمت دوم در توقیعات و مرقومات عالیّه - در ایّام غیبت صغرای حضرت ولی عصر حُجّه بن الحسن علیه السّلام ما بین شیعیان و آنحضرت سفرا و نوابی بوده اند که مسائل دینی و اجتماعی و علمی مردم را بعرض مبارک آن حضرت رسانیده سپس جوابهاییکه از ناحیه مقدسه آن بزرگوار شرف صدور مییافته با اطلاع مردم و سائلین و پرسش کنندگان میرسانیده اند که مرقومات شریفه عالیّه صادره را توقیعات میگویند ، مدت سفارت و وساطت ایشان در حدود هفتاد سال بوده است ، اینک قبل از نوشتن توقیعات اسامی نواب اربعه معظّمه آن حضرت را من باب اطلاع مینویسم .

۱- عثمان بن سعید اسدی رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ ، که ابتدا خدمتگذار حضرت امام علی النقی (ع) و بعد انایب حضرت امام حسن عسکری (ع) بوده و اولین نایب حضرت حُجّه بن

الحسن علیه السلام است ، که جلالت قدر و مقامش در خور
توصیف و نگارش مانیست ، و معروف به عثمان بن سعید
عمری است (بفتح عین) رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ .

۲- محمد بن عثمان بن سعید عمری رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ -

ابو جعفر محمد بن عثمان عمری (بفتح عین) دو مین سفیرو
نایب حضرت حُجَّة بن الحُسَین امام عَصْر عَجَل اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَهُ
الشَّرِيف است که بعد از پدر بزرگوارش باین منصب عالی نایل
گردیده و در حدود پنجاه سال باین منصب باقی بوده و قبل
از فوتش دستور داد قبری برای او تهیه نموده و در آن آیات
قرآنی و اسماء ائمه علیهم السلام را در آن منقوش کنند و روز
وفاتش را هم قبلاً خبر داد و در همان روزی هم که گفته بود
وفات نمود مدفن آن بزرگوار نزدیک دروازه سلمان در میان
گورستان و سיעی در بغداد است و در آن نواحی معروف به
شیخ خلانی است .

۳- شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نو بختی - سو مین

نایب امام زمان علیه السلام است که در بغداد مدفون میباشد
رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ .

۴- شیخ جلیل القدر ابوالحسن علی بن محمد سیمری

رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ - که در بغداد مدفون است ، و آخرین نایب امام علیه السلام است چون قبل از فوتش پرسیدند بعد از شما نایب کیست در جواب فرمود : **لِلَّهِ أَمْرُهُ وَهُوَ بِالْغُكْه** که غرضش نبودن نایب دیگری بوده است و بعد از فوت آنبزرگوار غیبت کبری شروع شد که تا امروز پانزدهم ماه رمضان المبارک سال ۱۳۹۷ هجری قمری است هزار و یکصد و چهل و دو سال میگذرد :

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَ إِمَامِ زَمَانِنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ .
 توقیعات - چون نوشتن توقیعات بزبان عربی و فارسی مستلزم بکار بردن وقت بسیاری است و از طرفی بعضی از خوانندگان و مؤمنین شاید قدرت تفهیم و خواندن و صرف وقت را نداشته باشند لذا برای سهولت امر فقط به ذکر توقیعات بطور فهرست مانند و بفارسی اکتفا میشود و برای تبرک و تیمن و شادی قلوب مؤمنین برخی از توقیعات، و دستخط مبارک آنحضرت را هم عینا می نویسم زیرا غرض استحضار عامه مردم بوجود مرقومات و توقیعات و جوابهای اصولی پر مغز عالی آنها است در اصول و فروع دین البته کسانی که مایل باشند توقیعات صادره را عینا ملاحظه نمایند

باید بکتاب علما من جمله احتجاج شیخ طبرسی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ
و جلد سیزده بنهار الانوار علا مهء مجلسی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ ،
مراجعه نمایند .

۱- در کتاب احتجاج شیخ طبرسی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ نوشته
که محمد بن عبدالله حَمِیری مکتوبی در سال سیصد و هفت
هجری قمری خدمت امام زمان علیه السلام معروض داشته و
سئوالهایی کرده که از طرف مقام مقدس ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ
تَعَالَى فَرَجَهُ جوابهای آنها مرقوم گردیده اول سئوال کرده
آیا جایز است محرم در حال احرام (مئرز) را " مئرز پارچه‌ای
است که با آن احرام بسته میشود " از پشت تا بگردنش باد رازی
آن ببندد و دو طرف آنرا تا بکمرش بالا زند و در تهی گاهش
جمع نماید و گره بزند و دو طرف دیگرش را از میان پاهایش
خارج کند به کپل ببندد پس اگر چنین بکند مانند شلوار میباید
و موجب ستر عورتش میشود زیرا که با مئرز اول خود را میپوشانند
ولی وقتی که سوار اشتر میشدیم کشف عورت میشد و اگر چنین
نمائیم پوشیده میباشیم .

جواب - جایز است اینکه انسان بهر نوع که بخواهد
مئرز بپوشد اگر با مفرش یا سوزن تغییری در آن احداث

نموده باشد که به سبب آن تغییر از حد مئرز بودن بیرون رود و سوزن بر آن نگذارند و گره نزنند و بعضی را از آن بعض دیگر نبنند این در وقتی است که ناف و هرد و زانوهایش را بپوشاند ، زیرا که سنتی که اجماع بر آن است و خلاف در آن نیست پوشانیدن ناف و زانوهاست و بهتر و دوست تر نزد ما و افضل مگر هر کسی را پوشیدن آنست بطریقی که میان همه خلق معروف است و باز پرسیده بود که آیا جایز است اینکه محرم مئرز را بجای گره یا بند شلوار ببندد آنحضرت در جواب فرموده اند .

لَا يَجُوزُ شَيْءٌ سِوَاهُ مِنْ تَكَّةٍ وَلَا غَيْرِهَا .

یعنی بستن مئرز با هیچ چیز جایز نیست خواه آنچه

بند شلوار باشد یا غیر آن .

دوم — سؤال کرده آیا کسیکه متوجه نماز است بگوید (اَعْلَى مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ) بدعت است یا خیر ؟ چون در هیچیک از کتب صلوٰة این مسئله را نیافته ایم مگر حدیثی را که " قسم بن محمد " در کتاب خود از جدش حسن بن راشد روایت نموده که ، حضرت امام جعفر صادق (ع) به حسن بن راشد فرموده که آیا چگونه متوجه میشوید ، عرض کرد

که چنین میگوئیم (لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ) آنحضرت فرمود : که از این نهر سیدم بلکه می پرسم که چگونه میگوئی (وَجْهَتُ وَجْهِي

لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مِنْهَا جُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَ لَا يُتَمَامُ بِآلِ مُحَمَّدٍ (ص) حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ .

یعنی بطریق مذهب ابراهیم (ع) و دین محمد (ص) و طریقه علی بن ابیطالب (ع) و بطریق اقتدا نمودن به آل محمد (ص) روی خود را متوجه نمودم بسوی پروردگاری که آسمانها و زمین را آفرید در حالیکه اسلام آورده ام ، و از مشرکان نیستم .

حضرت قائم علیه السلام جواب فرموده اند : که بهیچیک از این فقرات توجه واجب نیست ، ولیکن سنت مؤکده است در این خصوص که بمنزله اجماعی است که در آن خلاف نیست بدین نهج :

((وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ ، وَ هُدَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَوَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ
 الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ يَقْرَأُ الْحَمْدَ قَالَ الْقُقَيْبِيُّ
 الَّذِي لَا يَشْكُ فِي عِلْمِهِ الَّذِينَ لِمُحَمَّدٍ (ص) وَالْهُدَايَةُ لِعَلِيِّ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لِأَنَّهَا لَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَفِي عَقِبِهِ بَاقِيَةٌ إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ كَانَ كَذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الْمُهْتَدِينَ ، وَمَنْ شَكَّ
 فَلَا دِينَ لَهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ فِي ذَلِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَايَةِ

یعنی روی خود را گردانیدم بسوی پروردگاری که
 آسمانها و زمین را آفرید در حالیکه باصمیم قلب به نهج
 مذهب ابراهیم و دین محمد (ص) و هدایت امیرالمؤمنین
 علیه السلام اسلام آوردم و از مشرکان نیستم بد رستیکه نماز و
 اعمال و زندگی و مردن من برای خداست آنچنانکه پرورش
 دهنده عالمیان است و برای او شریک نیست و براین
 مأمور شده ام و من از جمله مسلمانانم پروردگارا مرا از جمله
 مسلمانان گردان پناه می برم از شیطانی که رانده درگاه

است بآن خداوندی که شنوا و دانا است و بعد از بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فرموده که بعد از آن حمد را میخواند بعد از اینها نوشته بود که فقیهی که در دانشوری او شك نیست گفت که دین مر محمد (ص) است و هدایت مر، امیر المؤمنین (ع) علیه السلام است، زیرا که هدایت برای اوست تا روز قیامت و در ذریه او باقیست، پس هر که باین معتقد شود هر آینه از جمله هدایت یافتگان است و هر که در این شك نماید هر آینه دین ندارد بخدا پناه میبرم از گمراهی بعد از هدایت یافتن.

سؤال سوم - آیا جائی است که نماز گذار پس از فراغت از دعای قنوت دستهایش را بروی سینه اش بکشد و به استناد حدیثیکه در این باب روایت شده و آن اینست .
 ((شأن خدا اجل است از اینکه دستهای بنده اش را، بعد از دعا خالی برگرداند بلکه آنها را پر از رحمت خویش میکند)) یا جایز نیست ؟ زیرا که بعضی از اصحاب ما ذکر کرده اند که با چنین چیزی يك عمل جایز میشود .

جواب حضرت امام زمان علیه السلام - برگردانیدن دستها پس از قنوت بر سروروی در نمازهای واجبی جایز

نیست ، و چیزیکه در این باب عمل بر آن است اینست که چون دست مصلی (نماز گذار) از قنوت نماز های واجبى برگردید و از دعای آن فارغ شد کف دستهایش را بسا سینه اش تا مقابل زانوهایش بآرامی و آهستگی پائین میآورد و تکبیر میگوید و رکوع میکند و آن خبر هم صحیح است لیکن در خصوص نوافل شب و روز است نه در فرایض و عمل به آن خبر در نوافل افضل است .

سؤال چهارم — از امام زمان علیه السلام سؤال نموده آیا بعد از نماز واجب سجده شکر مشروع است یا نه ؟ زیرا که بعضی از اصحاب ما گفته اند که آن بدعت است آیا جایز است اینکه آنها بعد از نماز واجب بجا آورد و با تقدیر جواز آیا آنها در نماز مغرب و پیش از چهار رکعت نافله مغرب بجا آورد یا بعد از نافله ؟

جواب آنحضرت (ع) — سجده شکر از جمله لازمتین و واجب ترین سنتها است ، و نگفته است که این سجده بدعت است ، مگر کسیکه خواسته در دین خدا احداث بدعت نماید .

اما جواب ، از خبریکه در خصوص بجا آوردن بعد از

نماز مغرب وارد شده و اختلاف نمودن در اینکه آن آیا بعد از نماز مغرب و پیش از چهار رکعت نافله است یا بعد از آن است؟ بدین طریقه است که فضیلت دعا و تسبیح که بعد از فرائض بجا آورده میشود بر دعائیکه در عقب نوافل به عمل آورده میشود مانند فضیلت فرائض است بر نوافل و سجده در نفس الامر دعا و تسبیح است و افضل اینست که بعد از فریضه بجا آورده شود، و اگر بعد از نوافل نمائی جایز است.

سؤال پنجم - سؤال نموده که بعضی از برادران ما که میشناسید دارای زمینی آبادی هستند در جنب زمین خرابه ای که سلطان را در آن حصه^ص ای است که با جبار و اکراه آنها ضبط نموده و بسا میشود که دیگران اطراف زمینی خرابه را میکارند و عمال سلطان ایشانرا میآزارند و بدوستان ما در خصوص بردن و خوردن از غلات زمینی خود متعرض میشوند و آن زمین خراب به سبب خرابی قیمت ندارد و مدت بیست سال است که خراب است و مالک زمین آباد از خریدن زمین خراب در زمان سابق از جمله موقوفات بوده که برای سلطان ضبط شده پس خریدن آن حصه^ص از سلطان جایز است و ناصواب نیست و برای زمین آباد صلاح میباشد و موجب آبادی

آن زمین میگرد و این حصّه را از زمین خرابه یا فاضل آب زمین آباد میکار و طمع اولیاء دولت سلطان از آن بریده میشود و اگر خریدن آن جایز نباشد هرآینه بهرچه امرکنی **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** عمل خواهد نمود .

جواب حضرت حجّه (ع) - امام (ع) در جواب چنین فرموده اند (الضّیّعة لا یجوز ابتیاءُها الا من مالکها اویامره و رضاً منه) یعنی خریدن این زمین جایز نیست مگر از مالکش یا با مورضای او .

سؤال ششم - سؤال نموده باینکه زنی کنیز خود را برای مردی از خدمتگذاران خود تحلیل نموده یعنی برای وی حلال کرده که با کنیزش مقاربت نماید و آن مرد از زائیدن کنیز دوری می جسته ولی کنیز بچه دار شد پس مرد چاره‌ای ندید از اینکه او را قبول نکند لذا قبول کرد لیکن شك دارد ، اینکه آن بچه از خود اوست و او را از اولاد های خودش نمیداند پس اگر آن بچه از جمله آنان است ، پس مرد ناچار است بخود نسبت دهد و مثل سایر فرزندانش بداند و اگر جایز است اینکه چیزی از مال خود که کمتر از حصّه او است برای او قرار دهد بکند ؟

جواب حضرت (ع) - امام (ع) اینطور جواب فرموده اند
 حلال نمودن به چند وجه واقع میشود که جواب در آنها
 مختلف میباشد پس سائل آنچه را که تحلیل بدان نهج
 واقع گشته بتفصیل باید ذکر کند تا اینکه جواب سئوالی که در
 خصوص بچه است انشاء الله معلوم گردد .
 و در جواب التماس دعائیکه سائل از حضرت نموده ، آن
 امام معظم (ع) چنین جواب فرموده اند خدای تعالی به او
 عطا فرماید چیزی را که او بآن سزاوار و اهل تراست بجا آوردن
 ما حق او را و مراعات ما پدر او را خدا بیا مزدش و نزدیکی
 او به ما سبب چیز است که ما آنرا دانسته ایم و آن خوبی
 نیت او است و بسبب امری است که بر آن مطلع شده ایم و آن
 مخالطه و دوستی او است با ما مخالطه آنچنانیکه او را بخدا
 نزدیک کننده است و خدای عز و جل و رسول او و اولیاء الله
 و آل رسول را راضی و خشنود میکند بچیزیکه ما بآن ابتدا
 کرده ایم و بسبب خواهش نمودن او از خدا مسئلت مینمائیم
 که همه خیرات دنیا و آخرت را باو عطا نماید و موردین و دنیای
 او را بطرزی که صلاح او را میخواهد اصلاح بنماید بدرتیکه
 خدا صاحب همه و قادر و توانا بر همه چیز است .

۲ - شیخ طبرسی رحمه الله علیه - در کتاب احتجاج گفته که محمد بن عبدالله در سال سیصد و هشتم هجری قمری نیز بخدمت حضرت صاحب الزمان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مکتوبی نوشت و در آن چند سؤال سوای این مسائل پرسیده بود و بدین نهج نوشته .

سؤال اول - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خداوند عمرت را طولانی و عزّتت را طولانی و عزّت و کرامت و سعادت ، و سلامت را دائمی گرداند ، و نعمتش را بر تو تمام کند ، و احسانش را بر تو و بخششهای نیکو خود را در نزد تو ، و تفضلش را بر تو و بزرگ قسمت‌های خویش را برای تو بیفزاید و مراد همه بلاها و بدیها فدای تو گرداند و مرا عوض تو بمیراند بدرستیکه در نزد ما پاره ای پیران و پیره زنان هستند که سی سال یا بیشتر است که ماه رجب را روزه میگیرند و روزه آنها بماه شعبان و رمضان متصل میکنند و بعضی اصحاب ما برای ایشان روایت نموده که روزه ماه رجب معصیت است ؟

جواب آنحضرت علیه السلام - فقیه گفته که از ماه رجب تا پانزده روز روزه میگیرد بعد از آن روزه را قطع میکنند مگر اینکه از بابت قضای سه روزه که روزه آن فوت شده بگیرد زیرا که

حدیث در این باب وارد شده و آن اینست که ماه رجب ماهی است برای قضا کردن روزه فوت شده .

سؤال دوم - سؤال نموده که مردی در محملی نشسته و برف بسیاری در زمین است بقدا قامت مرد و میترسد از اینکه اگر از محمل فرود آید بتوی برف فرود و بسا میشود که برف بسبب سستی از هم میپاشد و بجهت کثرت سستی آن برای وی ممکن نمیشود که برفها را هموار گرداند آیا در این صورت برای او جایز است اینکه نماز واجب را در محمل (غرض و سیله سواری است) بجا آورد و ما چند روز چنین کرده ایم آیا اعاده آنها بر ما واجب است یا نه ؟

حضرت امام زمان (ع) چنین جواب فرمودند - (وَلَا بَأْسَ

بِهِ عِنْدَ الضَّرُورَةِ وَالشَّدَّةِ) یعنی در وقت شدت و ضرورت به آن بآسی نیست .

سؤال سوم - سؤال نموده که شخصی برپیش نماز ، در

حال رکوع ملحق میشود و رکوع را با امام بجا میآورد و آنرا یک

رکعت حساب مینماید ، ولی بعضی از اصحاب ما گفته اند که

اگر آن شخص تکبیر را که امام پیش از رکوع میگوید نشنود

نمیتواند آنرا یک رکعت حساب نماید ؟

جواب حضرت (ع) - إِذَا لَحِقَ مَعَ الْأَمَامِ مَنْ تَسْبِيحَ الرُّكُوعِ
تَسْبِيحَةً وَاحِدَةً أَعْنَدُ بِتِلْكَ الرُّكْعَةِ وَإِنْ لَمْ يَسْمَعْ تَكْبِيرَةَ الرُّكُوعِ .

یعنی اگر آن شخص يك تسبیح یعنی سبحان الله از تسبیحات
رکوع مانده با امام ملحق شود هر آینه يك رکعت حساب مینماید
هر چند که تکبیر رکوع را نشنیده باشد .

سؤال چهارم - سؤال نموده که مردی نماز ظهر را
گذارد و بنماز عصر شروع کرده و قتیکه دو رکعت از آنرا بجا
آورده بود تعیین نمود که نماز ظهر را دو رکعت گذارده آید
این حالت چه باید بکند ؟

جواب حضرت (ع) - (إِنْ كَانَ أَحَدُ بَيْنَ الصَّلَوَتَيْنِ
حَادِثَةً يَقْطَعُ بِهَا الصَّلَاةَ أَعَادَ الصَّلَوَتَيْنِ وَإِذَا لَمْ يَكُنْ أَحَدُ
حَادِثَةً جَعَلَ الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ تِمَّةً لِصَلَاةِ الظُّهْرِ وَصَلَّى
الْعَصْرَ بَعْدَ ذَلِكَ) .

یعنی اگر در بین دو نماز کاری کرده که نماز را قطع میکند
هر دو نماز را اعاده نماید و اگر چنین کاری نکرده آندو رکعت
را که گذارده تته نماز ظهر حساب کند و عصر را بعد از آن

بجا بیاورد .

سؤال پنجم - سؤال نموده آیا کسانی که اهل بهشت شدند می زایند و توالد و تناسل برای ایشان می باشد یا نه ؟

جواب آنحضرت (ع) - در بهشت برای زنان آبستن شدن و زائیدن و ازاله بکارت یا حیض شدن و نفاس ، و مشقت و محنت که بسبب طفولیت است نمی باشد و در بهشت است هرآنچیزیکه دستها میخواهد و دیده ها بآن لذت میبرند چنانکه خدای تعالی فرموده و قتیکه مؤمن در بهشت بچه می خواهد هرآینه خدای تعالی او را بهمان صورتیکه آنمؤمن خواسته میآفریند بی آنکه زن باو آبستن شود و بزاید چنانکه آدم (ع) را برای عبرت یافتن خلایق بدین نهج آفرید .

سؤال ششم - سؤال نموده اگر مردی زنی را در عوض اجرت معینه تا وقت معین متعه نموده و مدتی از آنوقت معین باقی مانده باشد ، آنگاه باقی مدت را مرد بزن ببخشد ولی سه روز پیش از بخشیدن زن حیض دیده باشد آیا در این صورت جایز است ؟ اینکه زن بعد از پاک شدن از حیض سه مرد دیگری در عوض اجرت معینه متعه (یعنی صیغه شرعی)

شود یا اینکه صبر نماید تا حیض آینده را ببیند ؟
 جواب حضرت امام زمان (ع) - (تستقبل حیضه غیر
 ذلک الحیضه لان اقل العده حیضه و طهاره تامه) یعنی
 باید بغیر از این حیض حیض دیگری را ببیند زیرا که اقل
 این عده يك حیض و طهر تمام است بمحض دیدن حیض دوم
 عده اش تمام میشود .

سؤال هفتم - سؤال نموده که آیا شهادت کسی که
 به برص یا جذام یا فلج دارد بحسب شرع مقبول است یا نه ؟
 زیرا که بما روایت شده ایشان بر آنانکه سألند و این
 امراض را ندارند امامت نمیتوانند بکنند ؟

جواب امام زمان (ع) - (ان کان اما بهم حاداً ثا
 جازت شهادتهم وان کانت ولاده لا تجوز) .

یعنی اگر این امراض بعد از ولادت حادث شده ، و
 برایشان عارض گشته هرآینه شهادتشان ممضی خواهد بود
 و اگر در عین ولادت در ایشان بوده هرآینه شهادتشان ،
 مقبول نخواهد شد .

سؤال هشتم - سؤال نموده آیا برای تزویج کردن
 دختر زنش جایز است یا نه ؟

جواب حضرت (ع) - **إِنْ كَانَتْ رِبِّيَّتٌ فِي حِجْرِهِ لَا يَجُوزُ**
وَإِنْ لَمْ يَكُنْ رِبِّيَّتٌ فِي حِجْرِهِ وَكَانَتْ أُمُّهُ مِنْ غَيْرِ عِيَالِهِ فَقَدْ رَوَى
أَبُو جَابِرٍ .

یعنی اگر آن دختر در آغوش او تربیت یافته و بزرگ شده
 هرآینه تزویج او برای آن مرد جایز نیست و اگر در آغوش او
 تربیت نیافته و مادرش در ایام بچگی او از جمله عیال آن مرد
 نبوده هرآینه چنین روایت شده که تزویجش جایز است .

مؤلف - خلاصه چنین استنباط میشود که اگر دختر
 زنی زیر نظر مردی تربیت شده باشد ازدواجش برای آن مرد
 جایز نیست و اگر دختری در دامان مردی تربیت و بزرگ نشده
 باشد و مادر آن دختر هم در زمان کودکی دخترش زوجه آن
 مرد نبوده باشد ازدواجش جایز است .

سؤال نهم - سؤال نموده باینکه مردی دختر زنی را
 برای خود ازدواج کرده یعنی نواده او را آیا جایز است به
 اینکه بعداً جدّه اش را تزویج کند یعنی خود آن زن را تزویج
 کند ، یا جایز نیست ؟

جواب امام (ع) - **قَدْ نَهَى عَنْ ذَلِكَ** یعنی اینچنین

کاری نهی شده .

سؤال دهم - مردی از مرد دیگر هزار درهم ادا نمود و بینه عادل با دعای خود اقامه نموده و نیز پانصد درهم بموجب سند تمسك علیحده از او ادعا کرده و او را بر این ادعا نیز بینه عادل هست و نیز سیصد درهم بموجب تمسك دیگر از او ادعا نموده و بر این ادعا هم بینه عادل دارد، و تمامی وجه این سه تمسك هزار درهم میباشد علاوه بر هزار درهمیکه اول ادعا نموده و مدعی علیه در جواب گوید که وجه این تمسك هزار درهم است و مدعی گفته منکر آنست آیا در این صورت هزار درهم یکبار بر ذمه او غلاقه میگیرد یا دوبار چنانکه اقامه بینه نموده و در این سه تمسك قید نشده که این پانصد درهم و سیصد درهم از بابت آن هزار درهم است ؟

جواب امام علیه السلام - از مدعی علیه یک هزار درهم گرفته میشود و این همان هزار درهم است که در آن شبه ای نیست و در هزار درهم باقی قسم به مدعی رد میشود اگر او از قسم نکول نماید هرآینه او را حقی نمیباشد .

سؤال یازدهم - آیا جایز است گذاشتن تربت قبر مطهر جناب سیدالشهدا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ بامیت در قبرش یا جایز نیست ؟

جواب حضرت امام زمان (ع) - **يُوضَعُ مَعَ الْمَيْتِ فِي قَبْرِهِ وَيُخْلَطُ بِحَنُوطِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ .**

یعنی : تربت را با میت در قبرش باید گذاشت ، باید با حنوطش مخلوط نمود **إِنْ شَاءَ اللَّهُ .**

سؤال دوازدهم - سؤال نموده آیا جایز است اینکه شخصی از تربت امام حسین (ع) سبحة بسازد و با آن تسبیح سبحان الله بگوید ، و آیا در آن فضیلت هست ؟

جواب امام زمان (ع) - جایز است اینکه با آن ذکر بکند و هیچ چیز از تسبیح گفتن با آن افضل نیست و از جمله فضیلت‌های آن اینست که اگر مرد ذکر را فراموش کند سبحة را در دست بگرداند هرآینه ثواب ذکر برای او نوشته میشود .

سؤال سیزدهم - سؤال نموده که از حضرت صادق علیه السلام بما چنین روایت شده که آنحضرت بر ازار کفن اسماعیل پسرش بدین نهج نوشت (**إِسْمَاعِيلُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**) آیا ما را هم جایز است اینکه مانند آنرا با تربت مطهر امام حسین علیه السلام یا غیر آن بنویسیم ؟

جواب امام (ع) - **يَجُوزُ ذَلِكَ** ، یعنی این جایز

سؤال چهاردهم - سؤال نموده آیا سجده بر مهری که از تربت جناب امام حسین (ع) ساخته میشود جایز است و آیا در آن فضیلت هست ؟

جواب امام زمان (ع) - *يَجُوزُ ذَٰلِكَ وَ فِيهِ الْفَضْلُ* یعنی این کار جایز است و در آن فضیلت هست .

سؤال پانزدهم - سؤال نموده شخصی قبور ائمه (ع) را زیارت میکند ، آیا سجده کردنش بر قبور مطهر جایز است یا نه ، و آیا جایز است برای کسیکه نزد قبور مطهره نماز میگذارد اینکه در پشت آنها ایستاده و قبر را در سمت قبله بیندازد ؟ یا اینکه در سمت بالای سر و یا در سمت پائین پا بگذارد ؟ و آیا جایز است اینکه در پیش روی ایستاده قبر را پشت سرش بیندازد و نماز بکند یا جایز نیست ؟

جواب حضرت *حَجَّةُ بِنِ الْحُسَيْنِ (ع)* - *أَمَّا سَجْدَةٌ* بر قبر جایز نیست ، نه در نافله و نه در فرایض و نه در زیارت آنچه که عمل بر آن جاری شده اینست که صورت راستش را بر قبر مطهر بگذارد و *أَمَّا* نماز باید در پشت سر قبر بکند و قبر را در پیش رویش بیندازد و جایز نیست گذاردن آن در جانب پیش رو و بالای سر و پائین پا زیرا که از امام (ع) پیش نمیتوان

افتاد و باوی برابر هم نمیتوان افتاد ، و باوی برابر هم نمیتوان ایستاد .

سؤال شانزدهم - آیا جایز است اینکه در اثنای فریضه یا نافله سجه را دردست بگرداند ؟

جواب امام (ع) - *يَجُوزُ ذَٰلِكَ إِذَا خَافَ السَّهُوَّ وَالْغَلَطَ*

یعنی این جایز است در صورتیکه از سهو و غلط کردن در شمار رکعتها بترسد و آنها را با تسبیح بشمارد .

سؤال هفدهم - از فقیه در خصوص فروختن موقوفات

حدیثی وارد شده به اینکه اگر وقف برای جماعتی و اولاد ایشان *نَسْلًا بَعْدَ نَسْلٍ* شده باشد و صاحب وقف بر فروختن آن اتفاق نمایند و فروش هم برای ایشان اصلح باشد آیا در اینصورت جایز است خریدن آن از بعضی از ایشان اگر همه ایشان در *يَكُ* جانفروشدند و نیز سؤال نموده که آن کدام وقف است ، که بیع آن جایز نیست ؟

جواب حضرت صاحب الزمان (ع) - اگر وقف بر اماء

مسلمان شده است پس جایز نیست فروختن آن و وقفی که در طایفه ای از مسلمان باشد هرآینه انشاء الله جایز است اینکه هر قوم بفروشند و قفی را که بر فروختن قادر باشند خواه

یکجا بفروشند خواه حصه حصه .

سؤال هیجدهم - آیا محرم را جایز است اینکه به جهت مرض باد عرق به زیر بغلش مردار سنگ یا توتیا بگذارد یا جایز نیست ؟

جواب امام (ع) - جَائِزٌ ذَٰلِكَ یعنی این جایز است .
سؤال نوزدهم - اگر کور در حالت بینائی شاهد گرفته باشد بعد از آن نابینا شود و خطش را نبیند که بشناسد تا شهادت نماید آیا شهادتش جایز است و توفیق با خدا است یا نه ؟ و اگر این کور شهادتش را ذکر کند آیا با شهادت وی شهادت میتوان کرد یا نه ؟

جواب حضرت حُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ (ع) - اگر اصل ماجری و وقت آنرا بخاطر داشته باشد هر آینه شهادتش جایز است .

سؤال بیستم - شخصی زمین زراعت وقف میکند شاهد میگیرد که من این را وقف کرده ام و فلان شخص را وکیل وقف قرار دادم بعد از آن وکیل وفات می یابد یا اینکه وکالتش، برهم میخورد و دیگری بجای وی متولی وقف میشود آیا جایز است اینکه آن شاهد برای این شخص که قائم مقام وکیل اوّل

است شهادت نماید اگر اصل وقف برای یکنفر باشد یا جایز نیست ؟

جواب حضرت (ع) - غیر این جایز نیست یعنی باید به وقفیت وقف با اسم وکیل ثانی شهادت کند زیرا که شهادت برای وکیل برپاننده بلکه برای مالک وقف برپاشده و حال آنکه خدایتعالی فرموده که شهادت را برای خدا برپا دارید .
سؤال بیست و یکم - سؤال نموده در خصوص دو رکعت آخری روایت بسیار وارد شده پس بعضی چنین روایت کرده اند که در آنها خواندن حمد تنها افضل است آیا فضیلت برای کدام یکی است از آنها تا بآن عمل کنیم ؟

جواب امام (ع) - خواندن حمد در این دو رکعت تسبیحات اربعه را منسوخ کرده و چیزیکه تسبیحات را نسخ نموده فرموده عالم است که هر نماز که حمد آن خوانده نشود ، تنجیر و بریده است مگر مریض و کثیر السهو که میترسد از اینکه اگر حمد بخواند سهو کند یا مرضش شدت یابد و نمازش باطل شود .

سؤال بیست و دوم - در میان ما برای دردگلو رُبّ جوز ساخته میشود و ساختن آن بدین طریق است که جوز تراپیش

از آنکه مغزش منعقد شود میچینند و نرم میکوبند و فشار داده
آبش را میگیرند و صاف میکنند و میجوشانند تا اینکه نصفش
برود و يك شبانه روز میگذارند میماند بعد از آن بالای آتش
میگذارند و بر هرشش رطلی يك رطل عسل میریزند و میجوشانند
و کف آنرا میگیرند و از نو شادرو و شبّ یمانی که آن دوائی
است معروف سفید و شفاف و به زردی مایل و سریع الانکسار
و بد بو میباشد و در بسیاری از خواص مثل زاج است نرم
کوبیده و به آن خیسانیده میشود و يك درم زعفران نرم کوبیده
در آن ریخته میشود بعد از آن جو شانیده کف آنرا میگیرند
و میگذارند بجوشد تا مثل عسل غلیظ شود بعدا میگذارند
تا سرد شود بعد میاشامند آیا آشا میدان آن جایز است یا
نه؟

جواب امام (ع) — اگر زیاد آن مست کند یا تغییر
حال احداث نماید هرآینه قلیل و کثیرش هردو حرام میباشد
و اگر کثیرش مست نمیکند حلال است.

سؤال بیست و سوم — مردی را کاری در پیش می افتد
نمی داند کردنش مصلحت است یا نه پس دو انگشتر بر میدارد
بر یکی مینویسد (نَعْمُ افْعَلْ) یعنی آری بکن و در دیگری

مینویسد (لا تفعل) یعنی نکن سپس چند مرتبه می گوید (اسْتُخِيرُ بِاللَّهِ) سپس به انگشترها متوجه شده و یکی را بر میدارد و هرچه در آن نوشته باشد به آن عمل میکند آیا این عمل جایز است یا نه ؟ آیا به آن عمل باید کرد یا ترك باید نمود ؟

آیا مانند استخاره است یا استخاره غیر از این است ؟
 جواب امام (ع) - چیزی که عالم (ع) در این باب سنت گردانیده استخاره کردن است با رقعہ ها و نماز .

سؤال بیست و چهارم - در نماز جعفر طیار بن ابی طالب (ع) در چه وقت گذارده شود افضل است و آیا در آن قنوت هست یا نه و اگر هست در کدام رکعت است ؟

جواب امام (ع) - افضل اوقات آن اول روز جمعہ است بعد از آن روز در هر يك از روزها که بخواهی خواه روز باشد خواه شب آنرا بجا آوری جایز است و قنوت در آن دو بار است یکی در رکعت دوم و دیگری در رکعت چهارم پیش از رکوع .

سؤال بیست و پنجم - شخصی از مال خود مبلغی کنار گذارده به قصد اینکه آنرا به یکی از برادران دینی خود بدهد بعدا در بین خویشان خود محتاجی پیدا میشود آیا

میتواند آن مال را به کسی که نیت کرده بودند بدهد یا به خویش خود صرف نماید ؟

جواب امام (ع) - آنها از آن دونفر و هر یکی که مذهبش به مذهب او نزدیکتر است صرف بکند و اگر بخواهد به قول عالم (ع) عمل نماید که خدا صدقه او را قبول نمیکند در حالتی که میان خویشان صاحب صدقه و فقیر و محتاجست هر آینه باید آنها میان خویشانش و آنکسی که نیت کرده بود قسمت نماید تا اینکه هردو فضیلت را دریابد .

سؤال بیست و ششم - اصحاب ما در مورد مهر زن اختلاف کرده اند بعضی از ایشان گفته اند چون مرد به زن دخول نمود مهرش ساقط میشود و بر او چیزی نیست و بعضی گفته اند آن در دنیا و آخرت بر ذمه شوهر لازم است آیا این چگونه است و چیست آنکه در این باب لازم است ؟

جواب امام (ع) - *إِنْ كَانَ عَلَيْهِ بِالْمَهْرِ كِتَابٌ فِيهِ دَيْنٌ فَهُوَ لَزِمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ كِتَابٌ فِيهِ ذِكْرُ الصَّدَقَاتِ سَقَطَ إِذَا دَخَلَ بِهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ كِتَابٌ فَإِذَا دَخَلَ بِهَا سَقَطَ بَاقِيَ الصَّدَاقِ .*

یعنی اگر با اسم شوهر سند و تمسکی باشد که مهر در

آن بعنوان دین نوشته شده هرآینه در ذمه شوهر در دنیا و آخرت لازم است و اگر به اسم او مکتوبی باشد که صداقه‌ها در آن نوشته شده هرآینه مهرش در وقتیکه او دخول نموده ساقط میشود و اگر با اسم او مکتوب نباشد هرآینه بقیه مهر در وقتیکه به او دخول نموده ساقط میگردد .

سؤال بیست و هفتم - از صاحب‌عسگری (ع) روایت شده که از آنحضرت پرسیده شده که آیا نماز در لباس خزی که با كركِ خرگوش (وَبِرَّوَانِ پشم نرم است که در توی پشم زیر می باشد) مزوج شده چه صورت دارد و از آن حضرت توقیع در آمده که جایز است و نیز از آنحضرت روایت دیگری شده که آن جایز نیست ، آیا به کدام يك از این دو عمل کنیم ؟

جواب امام زمان (ع) - حرام بودن نماز در این و بَرُّها (كرك ها) و پوست ها که با هم باشند یا تنها و كركها پس نماز در آنها حلال و جایز است چنانکه از بعضی از علما پرسیده شد و معنی قول صادق (ع) که نماز در روباه و لباسی که بر بدن او چسبیده جایز نیست آن عالم (ع) در جواب نوشت که مراد صادق (ع) پوست روباه است نه غیر آن یعنی نماز در پوست روباه جایز نیست .

سؤال بیست و هشتم - پاره ای پارچه هائی در اصفهان میبافند که به آنها عتابیه گفته میشود و از ابریشم خام و از ابریشم پوشیده رنگارنگ بافته شده آیا نماز در آن جایز است یا نه ؟

جواب امام (ع) - جایز نیست مگر در لباسی که در آن تار و پود پنبه یا کتان است .

سؤال بیست و نهم - آیا در مسح پاها به کذا میک ابتدا باید کرد یا اینکه هر دو پا را باهم باید مسح نمود ؟
جواب امام (ع) - جایز است به هر دو پا باهم مسح کشید و اگر بخواهند مسح یکی را پیش از دیگری ابتدا نمایند باید ابتدا نکنند مگر به پای راست .

سؤال سی ام - آیا خواندن نماز جعفر طیّار در سفر جایز است یا نه ؟

جواب امام (ع) - *يَجُوزُ ذَلِكَ* یعنی این جایز است .

سؤال سی و یکم - اگر کسی در تسبیح جناب فاطمه زهراء علیها سلام سهو نماید و تسبیح از سی و چهار بگذرد بعد از آن به خاطرش افتد آیا به سی و چهار بر میگردد یا اینکه از سر باید بگیرد و اگر سبحان الله را بگوید تا دانه

شصت و هفتم آیا باید به شصت و ششم برگردد چه در این باب لازم است؟

جواب امام (ع) - هرگاه کسی در تکبیر سهو نماید

حتی از سی و چهار بگذرد به سی و سه بر میگردد و بنا بر این میگذارد و هرگاه در سُبْحَانَ اللَّهِ سهو کند و به دانه شصت و هفتم نگذرد به شصت و ششم باید برگردد و بنا بر آن میگذارد و اگر الْحَمْدُ لِلَّهِ از دانه صدم بگذرد حرجی بر او نمیباشد.

در کتاب احتجاج مذکور است که محمد بن عبد الله بن

جعفر حمیری روایت کرده که بعد از جوابهای این مسائل، از ناحیه مقدسه حُرِّسَ هَا لِلَّهِ این توقیعات آمده، بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَاءِهِ تَقْبَلُونَ
رَحْمَةً بِاللِّغَةِ فَمَا تَفْنَى النَّذْرَ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْنَا
وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ
تَعَالَىٰ وَإِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ.

یعنی امر خدایتعالی را نه خودتان می فهمید و نه

تعقل میکنید و نه از اولیاء الله قبول مینمائید و مر خدا را در

این حکمت بالغه است پس نرسا نیدن انبیاء و اولیاء قومی

را که ایمان نمی آورند نفع نخواهد بخشید سلام باد بر ما و
بندگان خدا که اهل اصلا حند هرگاه بخواهند با ما بسوی
خدا و به سوی ما متوجه شوند پس بگوئید بر ما سلام همچنانکه
خدای تعالی در کتاب خود بر ما سلام کرده میفرماید : کنه
(سلام باد بر آل یاسین) یعنی آل محمد (ص) و سلام این
است .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبِّي آيَاتِهِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ ارَادَتِهِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانِهِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا الْعَلَمُ وَالْمَنْصُوبُ وَالْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ .

وَالْغُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدُّ غَيْرِ مَكْذُوبٍ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَصَلِّي وَتَقْنَتُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي .

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارَ إِذَا تَجَلَّى .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ وَالْمَأْمُونُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ وَالْمَأْمُولُ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أَشْهَدُ مَوْلِي أَنِّي أَشْهَدُكَ

يَا مُوَلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَأِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَ

أَشْهَدُكَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَ
 الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَ جَعْفَرِينَ مُحَمَّدَ
 حُجَّتَهُ ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَ
 مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ ، وَ الْحَسَنَ
 بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ
 وَ أَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ
 آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَشْهَدُ
 أَنَّ النَّشْرَ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ ، وَ أَنَّ الصِّرَاطَ وَ الْعُرْصَادَ حَقٌّ
 وَ الْمِيزَانَ وَ الْحِسَابَ وَ النَّشْرَ حَقٌّ ، وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهَا
 حَقٌّ ، يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَ ، وَ سَعِيدٌ مَنْ أَطَاعَكَ فَاشْهَدُ
 عَلِيًّا مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَالْحَقُّ مَا
 رَضَيْتُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ وَ الْمُنْكَرُ
 مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَ حُدَّةٌ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَ بَرِسُوبِهِ
 وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ نَصْرَتِي مُعَدَّةٌ
 لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ ، آمِينَ .

سپس حضرت امام زمان عليه السلام فرموده اند بعد از

این سلام این دعا را باید خواند .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ
 نُورِكَ وَأَنْ تُمَلِّأَ تَلِيَّ نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي
 نُورَ النِّيَّاتِ وَعِزِّي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ
 الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ ، وَ
 سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمُودَتِي نُورَ الْمَوَالَاتِ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ حَتَّى الْقَاكِ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ فَتَقَشِينِي رَحْمَتِكَ
 يَا وَلِيَّ يَا حَمِيدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ حُجَّتِكَ فِي
 أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمُ
 بِقِسْطِكَ وَالتَّائِبُ بِأَمْرِكَ وَوَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ ، وَ
 مُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَمُنِيرَ الْحَقِّ وَالنَّاطِقُ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ ، وَ
 كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ ،
 سَفِينَةَ النِّجَاهِ وَعِلْمَ الْهُدَى وَنُورَ الْبَصَائِرِ السُّورِي وَخَيْرَ مَنْ
 تَغْمَصُ وَارْتَدَى وَمُجَلِّي الْغَمَاءِ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا

كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَحُورًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ فَضَلْتَ طَاهِرَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ ، وَ
 أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ
 بِهِ لِدِينِكَ وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَشِيعَتَهُ وَانصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ
 اللَّهُمَّ اَعِدْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاعٍ وَاحْفَظْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ خَلْقِكَ
 وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَ
 أَحْرَسْهُ وَأَمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ
 وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهَرْهُ بِالْعَدْلِ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانصُرْ ناصِرِيهِ
 وَأَخْذَلْ خَاذِلِيهِ وَأَقْصِمْ بِهِ قَاصِمِيهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَأَقْتُلْ بِهِ
 الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ
 الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَبِحَرِّهَا وَأَمْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا وَاطْهَرْ
 بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (ص) وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ انصَارِهِ وَ
 أَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا
 يَأْمَلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

معنی فارسی سلام و دعا اینست :

سلام باد بر تو ای دعوت کننده خلاق بسوی خدا و

رئیس سفینه آیات و معجزات .

سلام باد بر تو ای باغ خدا و حافظ و نگهبان دین او .

سلام باد بر تو ای خلیفه خدا و یاری کننده حق او .

سلام باد بر تو ای حجّت خدا و دلیل اراده او (توضیح

این فقره به این نهج است که دلیل هر آن چیزی است که از

علم رسانیدن به آن علم به چیز دیگر لازم آید چونکه مشیت و

اراده ائمه علیهم السلام یحکم و ما نشاؤون الا ان یشاء الله

با مشیت و اراده الهی یکی است چنانکه ایشان خودشان

فرموده اند نحن محلل مشیه الله . یعنی ما جایهای مشیت

خدائیم لهذا از ملا حظّه اراده ایشان به اراده الهی پی

برده میشود پس ایشان باین اعتبار دلیل و اراده خدایند .

سلام باد بر تو ای تلاوت نماینده کتاب خدا و تفسیر کننده

آن .

سلام باد بر تو در همه اوقات شب و در اطراف روز .

سلام باد بر تو ای باقی مانده خدا در روی زمین .

سلام باد بر تو ای آنکه خدای تعالی برای ولایت او از

- خلائق عهد و پیمان گرفت و آنرا موکذ گردانید •
- سلام باد بر تو ای آنکه خدای تعالی ظهور و خروج او را به خلائق وعده فرموده و ضامن گشته که بآن وعده وفا کند •
- سلام باد بر تو ای نشان که بر دین نصب شده و ای صاحب علم و دانشوری بسیار ای پناه خلائق و رحمت خدا که همه مخلوقات را فرا گرفته خدای تعالی در خصوص وی وعده فرموده که کذب و تخلف به آن راه نخواهد یافت •
- سلام باد بر تو در هر وقتی که بنشینی •
- سلام باد بر تو در هر وقتی که قرائت کنی و بیان نمائی •
- سلام باد بر تو در هر وقتی که نماز بگذاری و قنوت کنی •
- سلام باد بر تو در هر وقتی که رکوع و سجود نمائی •
- سلام باد بر تو در هر وقتی که حمد و استغفار کنی •
- سلام باد بر تو در هر زمانی لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
- سلام باد بر تو در هر وقتی که صبح و شام کنی •
- سلام باد بر تو در هر وقتی که در شب تاریکی آن همه چیز را میپوشد و در وقتی که از روز روشن میگردد •
- سلام باد بر تو ای آنکه خدا او را از همه چیز مقدم داشته و خلائق خروج و ظهورش را آرزو میکند •

سلام باد برتو با همه سلام ها و آقایان و پیشوایان خود
 را شاهد میگیرم به اینکه من ای آقای من تو را شاهد می گیرم
 به اینکه گواهی میدهم اینکه معبودی به حق نیست مگر خدای
 تعالی که تنها است و سزاوار شریک نیست و محمد (ص) بنده
 و فرستاده اوست و حبیبی برای خدانیست مگر او و اهل بیت او
 و تو را شاهد میگیرم به اینکه امیر المؤمنین (ع) و حَسَن و
 حُسَین و عَلی بن الحُسَین و مُحَمَّد بن عَلی و جعفر بن مُحَمَّد
 و موسی بن جعفر و عَلی بن موسی و مُحَمَّد بن عَلی و عَلی بن
 مُحَمَّد و حَسَن بن عَلی صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِین حُجَّتَانِ
 خداوند عالمند ، و گواهی میدهم به اینکه توحجت خدائی
 و شمائید اوّل و آخر (هم در دنیا و هم در آخرت) ملجاء و
 پناه و مرجع خلائق شمائید با اینکه بدنیا در اول زمان آمدید
 و در آخر زمان یعنی در روز رَجَعْتُمْ نِزْبَهُ دُنْیَا خواهی آمد
 و رَجَعْتُمْ شَمَا نِزْحَقُ اسْتِ و در آن نیز شکی نیست و آن در روزی
 است که در آن نفع نمیبخشد ایمان آوردن هیچ نفس که پیشتر
 از آن ایمان نیاورده یا ایمان آورده لیکن در ایام ایمانش
 عمل خیر کسب ننموده و گواهی میدهم به اینکه مرگ و سؤال
 ناکرو نکیر حق است ، و گواهی میدهم به اینکه زنده گردانیدن

خلاق در روز قیامت و فرستادن ایشان به عرصه محشر و صراط
 در روز قیامت و میزان و حساب و بهشت و دوزخ حق است و
 وعده بهشت و وعید جهنم حق است یعنی وفا یا آنها خواهد
 شد ای مولای من شقی است هر آنکسی که با شما مخالفت کند
 و سعید است کسیکه به شما اطاعت نماید پس در نزد خداوند
 کردگار گواهی ده به آنچه که ترا شاهد گرفته ام و من دوست
 توام و از دشمنت بیزارم پس حق هر آنچیز است که از آن نهی
 نمائید ، و ای مولای من دلم بخدا ایمان آورده و اورا بیشریک
 و یگانه میدانم و پیغمبر و امیر المؤمنین (ص) و به اولین و
 آخرین شما ایمان آورده و یاری نمودم را برای شما مهیا
 کرده ام و مودت و دوستی خود را برای شما خالص کرده و بیبریا
 نموده ام ، پروردگارا این خواهش و دعا را از من قبول و
 مستجاب گردان .

معنی فارسی مضامین دعا بدین نهج است - پروردگارا
 از تو مسئلت مینمایم که رحمت بفرستی بر محمد (ص) که پیغمبر
 رحمت تو ست (معنی بودن آن حضرت نور خدائی اینست که
 در حدیث وارد شده که خدای تعالی پیش از آنکه مخلوقات
 را بیافریند که آن کلمه گردید و نوری شد بعد از آن کلمه دیگری

فرمود آنهم روحی شد آن روح را در آن نور نشانید بعد از آن هر دو آنها را در بدنهای ما قرار داد پس آنحضرت به آن اعتبار کلمه نور خداست (از تو مسئلت مینمایم که قلب مرا از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور نیّت های پاک، و عزم را از نور علم و قوتم را از نور عمل و زبانم را از روی صدق و راستگوئی و دینم را از نور بصیرتها که در نزد خود عطا خواهی کرد و چشمم را از نور روشنائی و گوشم را از نور حکمت و مودتم را از نور دوستی محمد وآل محمد اوعلیهم السّلام مملو گردانی تا وقتی که با تو ملاقات نمایم در حالتی که بعهد و میثاق خود وفانموده و مرا با رحمت بپوشی ، ای صاحب من و ای پسندیده شده ، پروردگارا رحمت بفرست بر محمد بن حسن صلوات الله علیه که حجّت تست که در روی زمین است و خلیفه تست در شهرهای تو و دعوت کننده حق است به راه راست تو و بر پا دارنده است قسط و عدل ترا و خون خواهی کننده است به امر تو و دوست مؤمنان و هلاک کننده کافران است و زایل کننده ظلمت و کفر و نفاق و روشن کننده حق و نطق کننده است کشتی نجات و بیرق هدایت و نور هدایت و نور دیده های خلایق و بهترین آنان است که پیراهن و ردا

پوشیده اند و زایل کننده مستی و بینهوشی است آنچنانی که زمین را پراز عدل میگرداند پس از آنکه پراز ظلم و جور شده باشد .

پروردگارا بدرستی که تو بر همه چیز قادر و توانائی بار خدایا رحمت بفرست بر ولی خود و بر اولیاء خود آنچنانی که اطاعت در حق ایشان را بر همه خلایق واجب گردانیده‌ای و خبائث و بدی را از ایشان دور کرده‌ای و ایشان را از چرکها پاک گردانیده‌ای .

بار خدایا او را یاری کن و به او بدین خود یاری نما و باوی بدوستان و شیعیان و یاوران او یاری کن و ما را از جمله دوستان و شیعیان و یاوران او گردان .

پروردگارا او را از شر هرستمکاری و اهل طغیانی نگه دار ، و او را از سمت پیش رو و پشت سر و دست راست ، و دست چپش محافظت نما و او را نگهدار و نگذار که چیز بد و ناخوش به او برسد ، پیغمبر خود (ص) و آل او را در خصوص آنحضرت از رسیدن هم و غم نگهدار و عدل و داد را به سبب آنحضرت ظاهر گردان و او را به یاری خود مؤید کن و به یاری کنندگانش یاری کن و یاری مکن آنانی را که آنحضرت را

و من حجت خدایم بر ایشان ، و اما محمد بن عثمان عمری خدا از وی و از پدرش که پیشتر گذشت خشنود باشد پس او ثقه من است مکتوب وی مکتوب من است ، و اما محمد بن علی بن مهزیار اهوازی پس خدای تعالی قلب او را بعد از این اصلاح خواهد کرد و شك های او را زائل خواهد نمود و آن مالی را که برای ما فرستادی ما قبول نمیکنیم مگر مالی که پاک و پاکیزه باشد و این مال ثمن کنیز مغنیه و آن حرام است .

و اما محمد بن شاذان بن نعیم پس او مردی است از شیعه ما اهل بیت .

و اما ابو الخطاب محمد بن ابی زینب اخذع پس او و اصحابش ملعونند پس آنانکه باعتقاد ایشان معتقدند مجالست مکن زیرا که من و پدرانم علیهم السلام از ایشان بیزاریم .

و اما آنانکه اموال ما را میگیرند پس هر که از ایشان چیزی را از ما خلال بداند و بخورند هرآینه به منزله این است که آتش خورده اند .

و اما خمس پس برای شیعیان ما مباح است و آن بایشان

تا وقت ظهور ما حلال شد تا اینکه ولادتشان پاگیزه گردد و
اولاد شبه نشوند .

و اما پشیمان شدن قومی که در خصوص دین خدا شك
کرده اند از فرستادن آن اموال بما ، پس هر که بخواهد که
از ما داده خود را پس بگیرد ماهم باو میدهیم ما رابعطای
شکاگان احتیاج نیست .

و اما علت غیبت ما و سبب آن پس از اینگونه چیزها
مپرسید ، زیرا که خدای تعالی میفرماید آنانکه ایمان آورده اند
از پاره ای چیزها میپرسند زیرا که اگر از ما بشما اظهار شود
شما را مهموم و بد حال میکند و سببش اینست که هیچ يك از
پدران من نشد مگر اینکه بیعت سلطان زمانش که از اهل
طغیان نموده در گردن او واقع شده و من خروج میکنم در حالی
که مرا حدی را از ستمکاران بیعتی در گردن من نیست .

و اما طریقه منتفع شدن از من در ایام غیبتم پس مانند
منتفع شدن آفتاب است در وقتی که ابر روی آنرا پوشا نیده
باشد پس بدرستیکه من امان زمینم چنانکه ستارگان امان اهل
آسمانند ، پس ببندید در سؤال را از پاره ای چیزها که به
شما ضرور نیست و به کار شما برنمیآید ، و خود را به مشقت

میاندازید در دانستن پاره ای چیزها که از دانستن آنها معاف شده اید دعا را در خصوص تعجیل فرج بسیار کنید زیرا که فرج شما در این است ، یا اسحق بن یعقوب سلام باد بر تو و بر آنانکه تابع طریقه هدایت شده اند .

۴- مکتوب شیخ ابی جعفر محمد بن عثمان عمری قدس اللہ روحه در خصوص بعضی مسائل خدمت امام زمان علیه السلام که اکنون به جواب آن سئوالات مبادرت میشود .
جواب حضرت حجّه علیه السلام - که فارسی توقیع مبارک چنین وارد شده است :

پرسیده بودی که آیا نماز کردن در وقت طلوع آفتاب و غروب آن چه حکمی دارد پس اگر چنان که میگویند که آفتاب از میان دو شاخ سر شیطان طلوع میکند و غروب مینماید پس بینی شیطان به هیچ چیز مانند نماز بخاک مالیده نشده پس در آن وقت نماز بکن و بینی شیطان را بخاک بمال .
و اما آنچه که پرسیده بودی که ملکی بر ناحیه ما وقف میشود و چیزی برای ما قرار داده میگردد و بعد از آن صاحبش به آن محتاج میشود آیا تصرف او در آن چه صورت دارد ؟
جواب حضرت حجّه (ع) - هرچه وقف شده و بدست

وکیل و قیم تسلیم نشده صاحبش در خصص اماناً و برہمزدن آن مخیر است و ہرچہ کہ تسلیم شدہ برای صاحبش اختیار نیست خواہ صاحبش محتاج باشد خواہ محتاج نباشد .
پرسیدہ بودی کہ آیا چگونہ از حال آنانکہ حلال میدانند اموال ما را در دست ایشان است و بدون اذن ما تصرف میکنند مانند تصرفشان در اموالشان ؟

جواب حضرت حجّہ (ع) - ہرکہ چنین کاری را بکند ملعون است و ما در روز قیامت خصم او ئیم چنانکہ رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سلم فرمودہ کہ از عترت من ہرکسی حلال بدانند چیزی را کہ خدا حرام کردہ ہرآینہ بہ زبان من و بزبان ہر پیغمبر مستجاب الدعوی ملعون است پس ہرکہ بما ستم کند ذر جریدہء کسانی است کہ در حق ما ستم کردہ اند پس لعنت خدا بر ستمکاران باد .

پرسیدہ بودی بچہ ای را ختنہ کردند باز غلفہ اش روئید ، (غلفہ پوستی است کہ دردور ختنہ است) آیا باردیگر ختنہ کردن او لازم است ؟

جواب امام زمان (ع) - واجب است ببردن غلفہ زیرا کہ زمین تا چہل روز از بول کردن کسی کہ غلفہ اش حشفہ اش

راپوشیده باشد بدرگاه الهی ناله و شکایت میکند .
 پرسیده بودی که شخصی نماز میگذارد و در پیش رویش
 تصویر و چراغ است آیا نمازش در این صورت جایز است ؟
 زیرا که خلاق بیشتر از تو در این خصوص اختلاف کرده اند .
 جواب حضرت امام زمان (ع) - این جایز است برای
 کسیکه از اولاد بت پرستان و آتش پرستان نیست پس او را جایز
 است اینکه نماز بگذارد و تصویر و چراغ در پیش رویش باشد ، و
 این جایز نیست برای کسی که از اولاد بت پرستان و آتشپرستان
 است .

پرسیده بودی که اراضی زراعت که برای ناحیه ما وقف
 کرده شده آیا به نیت چشم داشت ثواب یا تقرب جستن در نزد
 شما جایز است کشت و زرع نمودن در آن و وضع اخراجات آن از
 مدخلش و صرف مابقی به ناحیه ؟

جواب امام زمان (ع) - هیچکس را حلال نیست اینکه
 در مال دیگری بی اذن وی تصرف نماید پس چگونه جایز میشود
 اینچنین تصرف نمودن در اموال ما هرکس بی اذن ما چنین
 کند هرآینه حلال دانسته چیزی را که بر او حرام گردانیده شده
 و هرکه چیزی از مال ما بخورد هرآینه بمنزله اینست که آتش

در شکمش گذاشته و بعد از این داخل جهنم خواهد شد .
 (مؤلف درست منطبق است با اعمال مردم این زمان که بدون اذن مالك در ملك و خانه او سکونت مینمایند و یاد ر اراضی او رزاعت میکنند و یا از ید غاصب دیگری استجاره و بهره برداری از ملك غیر مینمایند ، خسرالدنيا و الاخرة میباشد)
 سؤال نموده بودی که مردی زمینی به ناحیه ما وقف میکند ، و به دست قیم و وکیلش میسپارد و او به امر او مباشر میشود و آنرا آباد مینماید و اخراجات و مصارف آنرا از مدخلش برمیدارد و بقیه مداخل را به ناحیه ماصرف میکند ؟
 جواب : اینچنین عمل مرکسی را جایز است که صاحب زمین او را در سر و اختیار قیم قرارداد داده باشد و غیر از او جایز نیست .

پرسیده بودی که گذرکننده ای و روننده ای از باغ ، و بوستان ما از میوه آن میخورد آیا این خورنده را حلال است ؟
 جواب - خوردنش حلال و برداشتنش حرام است ؟

۵ - از علی بن عاصم کوفی روایت شده او گفته که در میان توقیعات صاحب الزمان علیه السلام این فقره در آمد :
 (مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مِنْ سَمَانِي فِي مَهْمَلِ النَّاسِ) یعنی ملعون

است ملعون است کسیکه نام مرا در محل و مجلس مردم میبرد .

۶- در کتاب کمال الدین از محمد بن ابراهیم بن

اسحق روایت شده که او گفته از ابوعلی محمد بن همام شنیدم

میگفت توقیعی بیرون آمد بدین نهج :

مَنْ سَمَّانِي فِي مُجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ
بِاسْمِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

یعنی هر که اسم مرا در مجلس و مجمع خلاق ببرد لعنت

خدا بر او باد سپس گفته به خدمت آنحضرت نوشتم که ظهور و

فرج کی خواهد بود ؟ جواب چنین در آمد (كَذِبَ الْوَقَاتُونَ)

یعنی وقت قرار دهندگان دروغ گفته اند .

۷- محمد بن ابراهیم بن مهزیار در کتاب کمال

الدین روایت شده که محمد بن ابراهیم بن مهزیار گفته وقتی

که به عراق وارد شدم در حالتیکه مشکوک بودم در اینکه آیا

امام حسن عسگری (ع) را خلفی باقی مانده یانه در این

باب تفحص و جستجو میکردم ناگاه توقیعی به لسان عربی فصیح

به من رسید (که فارسی آن اینست) :

بگو به محمد بن ابراهیم بن مهزیار که ما فهمیدیم آن

چیزی را که نقل کردی از دوستان ما که در مملکت شما اند بگو

بایشان که آیا نشنیده اید قول خدای عزّوجلّ را که میفرماید ای آنان که ایمان آورده اید اطاعت کنید بخدا و برسول او و به صاحبان امر که از شما اند و هیچ امر و حکم نیست مگر در خصوص چیزهایی که تا روز قیامت شد نیست.

آیا ندانسته اید که خدای تعالی از عهد آدم علیه السلام تا وقت ظهور امامت امام گذشته یعنی امام حسن عسکری علیه السلام برای خلائق مرجع و ملجاء و پناه قرار داده که به ایشان پناه ببرند و نشانهایی تعیین فرموده که بسبب آنها هدایت مییابد هر وقت که نشانه ای از آن نشانها پنهان شد نشانی دیگر آشکار گردد، و هر وقت که ستاره ای از ایشان غروب کرد ستاره دیگر طلوع نماید پس وقتی که خدای عزّوجلّ امام حسن عسکری علیه السلام را بسوی خود برد گمان نمودند که خداوند تعالی کار و کردار واسطه را در میان خود و مخلوقاتش قطع نمود نه چنین است که گمان نموده اید چنین چیز هرگز نشده و نخواهد شد تا وقتی که قیامت برپا شود و امر خدا آشکار گردد در حالتی که منافقان و کافران آنها ناخوش میدارند ای محمد بن ابراهیم شك مکن در خصوص امری که برای آن آمده (یعنی در وجود خلف امام حسن عسکری علیه السلام) شك

مکن که خدای تعالی زمین را از حجت خالی نمیگذارد .
 آیا پدرت در وفاتش بتو نگفت که الحال حاضر کن کسی
 را که این اشرفی ها را که در نزد من است بنسجد چون بجا
 آوردن این امر طول کشید و از وفاتش نرسید به تو گفت که اینها
 را تو وزن کن آنگاه کیسه بزرگی بیرون آورد به توداد و سه کیسه
 ریگ همیان هم در نزد تو بود و در آنها اشرفی ها مختلف
 بود پس تو آنها را وزن نمودی و پدرت با مهر خویش آن کیسهها
 را مهر کرد و به تو گفت که تو هم مهر خود را در پهلوی مهر
 من بزن اگر زنده ماندم خود به آنها والی هستم و اگر مردم
 پس اولاً در حق خود بعداً در حق من طریق تقوی خدا را
 پیش گیر و مرا از آنها خلاص کن یعنی آنها را با ما برسان
 و گردن مرا از قید آنها رهائی کن و باش همچنانکه به تو
 گمان نموده ام بعد از آن حضرت به محمد خطاب نمود و میفرماید
 که خدا تو را رحمت کند آن اشرفیها را که از دو نقد سوا
 کرده ای که از ده بیشتر و از بیست کمتر است از حساب ما
 بیرون کن و با آنکه در نزد تو اندرد و تسلیم نمائی زیرا که
 روزگار سرکش و کجمدارتر است یعنی نگهداشتن آن و رسا
 نیدنش بمن در این روزگار بد رفتار دشوارتر است و خدای

تعالی بما کافی است و خوب و کیلی است.

۸ - مکتوب جعفر بن همدان - در کتاب کمال الدین

مذکور است که حسین بن اسماعیل کندی گفته که جعفر بن همدان عریضه ای بخدمت صاحب الامر علیه السلام در خصوص پاره ای از مسائل معروض داشته که جواب آنها با و رسیده است من جمله سؤال زیر:

زنی را بحباله عقد در آوردم و باوی شرط نمودم که از او بچه نخواهم و خود او در خانه ام نشا نم چون مدتی بگذشت کنیز بمن گفت که من آبستن شده ام گفتم که این چگونه است و نمیدانم که از تو بچه خواهش نموده ام ، یعنی شک دارم در اینکه بچه از من باشد ، بعد از آن از نزد کنیز مدتی غایب شدم ، بعد از آن برگشتم ، ناگاه دیدم پسری زائیده پس از آن انکار نکردم پسر را ، و از کنیز نفقه و مسکن را نبریدم ، و مزرعه دارم ، آنرا پیش از آنکه این زن را عقد کنم ، هم داخل وصایای خود و هم بر سایر اولادم وقف نموده بودم به شرطیکه کم و زیاد کردن در آن در مدت عمرم بامن باشد و حالا این زن این پسر را زائیده و او را در وقف مذکور شریک نکرده ام لیکن وصیت نمودم که اگر مرا مرگ در یابد بآن پسر مادامی که

صغیر است نفقه و کسوه داده شود و وقتیکه بزرگ شد یکبار دویست اشرفی باو داده شود بعد از دادن این مبلغ برای او و برای اولاد او در آن مزرعه موقوفه حصه نباشد پس خدا تو را عزیز گرداند برای تو در خصوص این عمل که کرده ام و در باره این پسر چیست تا بآن عمل نمایم و برای من در خصوص صحت و عافیتم و خیر دنیا و آخرتم دعا کن .

جواب حضرت امام زمان علیه السلام - اما مردیکه جاریه

را بحباله عقد در آورده و باوی شرط نموده که بچه اش را نخواهد ، یعنی بچه ، بچه او نباشد پس پاک و پاکیزه میدانم از چرکها و در قدرتش شریک ندارد این چنین شرط را بازن نمودن در حقیقت با خدا شرط کردن است و این شرط امری است که اطمینان نیست در اینکه آن صحیح واقع شود و اگر در بودن بچه از او شك کند و وقتی راهم که با زن ، مقاربت نموده نمیداند هرآینه این شك باعث آن نمی شود که مرد از بچه اش تبرّی و دوری کند ؛

و اما دادن دویست اشرفی و خارج کردن آن از وقفیت

پس جایز است زیرا که مال مال اوست هر نوع تصرف که میخواهد در آن میکند .

۹ - توفیق حضرت حجّت امام زمان (ع) - شیخ ابو عبد الله جعفر گفته که این توفیق شریف را بخط سعد بن عبد الله بدین نهج یافته :

خدایتعالی شما را برای طاعت توفیق کرامت فرماید و در دین خود ثابت قدم گرداند و بشما در چیز هائیکه باعث خوشنودی آن میشود یاری نماید بما رسید آنچه که گفته بودید که میثمی بشما از مختار خبر داد که او بکسی ملاقات نموده و مباحثه کرده و احتجاج نموده ، در خصوص اینکه امام حسن عسگری (ع) بغیر از جعفر بن علی خلف و جانشین ندارد و امامت جعفر را تصدیق نموده و همه آن سخنان را که اصحاب شما از مختار نقل نموده اند و شما بمن نوشته بودید فهمیدم من از کوری بعد از بینش ، و از گمراهی بعد از هدایت و از کارها و فتنه های هلاک کننده بخدا پناه میبرم زیرا که خدای عزّوجلّ میفرماید آیا خلاق چنین گمان نموده اند که بعضی گفتن اینکه ایمان آوردیم بحال خود گذاشته میشوند و بانواع بلاها امتحان کرده نخواهند شد یا اینکه تکلیف عبادت و طاعت برایشان شدت نخواهند یافت یعنی خدای تعالی به محض گفتن ایشان که ایمان آوردیم اکتفاء نخواهد نمود و

انواع بلاها امتحان خواهند شد یا اینکه تکلیف طاعت و بندگی بر ایشان شدید خواهد شد آیا این خلاق چگونه بمیان فتنه افتاده اند و در وادی حیرت و سرگشتگی میگردند و به جانب دست راست و دست چپ جاده میروند .

آیا از دین خودشان مفارقت و جدائی ورزیده اند یا در خصوص حق شك کرده اند ، یا با حق عناد و عداوت نموده اند آیا جاهلند چیزهای بیهوده را روایات صادقه صحیحهد رخصص آنها وارد شده ؟ یا اینکه آنها را داشته ولیکن فراموش کردند؟ آیا نمیدانند ؟ که روی زمین از وجود حجت خدا خالی نمیشد ؟ خواه ظاهر باشد و خواه پنهان .

آیا ندانسته اند امامان ایشان بعد از پیغمبرشان يك يك بانظام و ترتیب تا اینکه امر امامت بامر خدای عزوجل بامام گذشته یعنی امام حسن عسگری (ع) رسید و در جای پدرش علیه السلام نشست بطوریکه خلاق را بسوی حق و راه راست هدایت میکرد و آنحضرت نور تلاء لوه کنند و ماه درخشنده بود ، تا اینکه خدای تعالی چیزی را که در نزد خودش بود برای وی اختیار نمود یعنی او را بسوی خود برد پس در وقت وفاتش در طریقه پدرانش طابق النعل بالنعل رفتار نمود

یعنی چنانکه پدرانش هر يك در حین وفاتشان به امامیکه بعد از او باید باشد وصیت نمودند او هم وصیت نمود با مامی و وصی که خداوند کردگار او را با مرخویش پنهان نمود و منزل و مأوی او را بمشیت خود بجهت قضای گذشته و قدر جاری و نافذ خود از خلائق مخفی داشت و رتبه و فضل او در نزد ما است و برای ماست و اگر خدای تعالی در خصوص ظهورم که از آن منع نموده اذنم دهد و حکم خود را که در خصوص تأخیر آن جاری شده زائل گرداند هر آینه حق را با صورت زیبا و دلیل و نشانه واضح و آشکار بایشان مینماید و مراد در نظر خلق ظاهر میسازد و حجت خویش را برمیخیزاند لیکن قدرها و قضا های الهی مغلوب نمیشود و اراده اش تغییر نمیکند و توفیقش از وقتی که قرار داده شده بیشتر نمیشود پس بنا بر این باید خلائق تبعیت نفس را در خصوص ظهور از خودشان دور کنند و با قاعده های که راه میرفتند رفتار نمایند و تفحص و جستجو نکنند چیزی را که از ایشان پنهان و پوشیده شده تا اینکه گنه کار شوند و سر خدا را کشف نمایند تا اینکه مذموم باشند و بدانند که حق با ماست و در نزد ماست غیر از ما نمیگوید مگر کذاب و افترا گوینده و آنرا بغیر از ما ادعا نمیکند مگر بیدین و گمراه پس خلائق از

بین جوابهای مجمل اکتفا میکنند و تفسیر آنها را خواهش ننمایند
و به جواب پوشیده و بسته قناعت میکنند و تصریح را ازمانخواهند
انشاء الله .

۱۰ - مکتوب احمد بن اسحق رحمه الله علیه - شیخ

طوسی در کتاب الغیبه از احمد بن علی او از اسدی او از سعد
او از احمد بن اسحق رحمه الله علیه روایت نموده که بعضی از
اصحاب ما نزد احمد بن اسحق آمده باو اعلام کرده که جعفر
بن علی مکتوبی بمن نوشته و در آن خود را بمن معرفی کرده
و گفته منم امام بعد از پدرم و جانشین او هستم و علم حلال و
حرام و آنچه خلائق بآن احتیاج دارند و سایر علوم در نزد من
هست احمد بن اسحق گفت که چون مکتوب جعفر بن علی را،
خواندم مکتوبی در این باب بخدمت حضرت صاحب الزمان
علیه السلام عرض کردم و نامه جعفر بن علی را در آن گذاشتم
و بدین شرح جواب آنرا زیارت کردم .

جواب امام زمان علیه السلام - خداوند کردگار عمرت

را طولانی کند مکتوب تو و مکتوبی که در آن بود رسید و فهم من
احاطه نمود به همه چیزها که در مکتوب دوم یعنی مکتوب
جعفر بن علی نوشته شده بطرزیکه الفاظ آن باهم مخالف و

خطا در چند جای آن واقع بود اگر بدقت در آن تأمل نمودی
هرآینه مطلع میشدی بر بعضی چیزهاییکه من در آن مکتوب به
آنها مطلع گردیده‌ام .

حمد باد بر خداوندی را که پرورش دهنده عالمیانست
و مزاورا هیچ شریک نیست ؟

حمد میکنم حمد کردنی در عوض احسان و تفضل او بر ما
خدای عزّوجلّ ابی نموده مگر از اینکه حق را تمام و کامل نماید
و باطل را زایل گرداند خداوند عالم در خصوص چیزهاییکه
الحال ذکر میکنم بر ضرر من و در خصوص چیزهاییکه الحال میگویم
بنفع من و بر ضرر شما شاهد است در وقتیکه برای روز قیامت که در
آن شك نیست که خدای تعالی صاحب مکتوب یعنی جعفر را
نه بر کسی که جعفر با و مکتوب نوشته و نه بر تو و نه بر احدی از
سایر خلائق امام مفترض الطاعه نگردانیده و اطاعت و عهد و
پیمان او را بر هیچ کس لازم ننموده ، و بعد برای شما بیان
میکنم عهد و پیمانی را که بآن اکتفا میکنید انشاء الله .

ای مرد خدا بتو رحمت نماید بد رستیکه خداوند کردگار
مخلوقات را عبث نیافریده و امر ایشان را مهمل و بی نظم و
نشان نگذاشته بلکه بقدرت خویش ایشان را آفرید و برای ایشان

گوشها و چشمها و قلبها آفرید بعد از آن بسوی ایشان مبعوث گردانید پیغمبران را که بشارت دهند و ترساننده اند ایشانرا بطاعت الهی که مردم را از معصیت و نافرمانی او نهی میکردند و بایشان میفهمانیدند امر دین را پروردگارشان را که به آن جاهل بودند و به جهت فضیلت و زیادتی که برای انبیان است بدیگران قرار داده و به جهت چیزهاییکه بایشان عطا فرموده اند دلایل آشکار و براهین و اضحه و علامتهای غلبه کننده کتابی بر ایشان نازل گردانید و ملائکه بسوی ایشان فرستاده تا اینکه میان او و ایشان واسطه شده آمد و رفت نمایند از جمله ایشان کسی بود که آتش را بر او سرد و سلامت نمود و او را برای خود خلیل و دوست قرار داد .

و از جمله ایشان پیغمبری است که خدا با او سخن گفت و عصای او را گردانید ازدهائی آشکار .

و از جمله ایشان پیغمبری است که مردگان را باذن خداوند زنده گردانید و نابینای مادر زاد را بینا نمود ، و صاحب ناخوشی برص را شفا بخشید (مراد عیسی بن مریم علیه السلام است) .

و از جمله ایشان پیغمبری بود که زبان مرغان را خداوند

باو تعلیم نمود و از هر چیز نصیبی خدا باو کرامت فرمود (مقصود حضرت سلیمان بن داود علیهما السلام است) •
 بعد از آن جناب پیغمبر محمد صلی الله علیه و آله را برای رحم نمودن بر عالمیان مبعوث گردانید و نعمت خود را نسبت به بندگانش با وی تمام نمود و پیغمبرانش را باو ختم کرد و او را بسوی همه خلائق فرستاد ، و آیات و معجزات خود را که بر صدق و راستگویی آنحضرت دلالت میکرد اظهار نمود و علامتهای خویش را که بر حقانیت او دلالت مینمود بیان کرد •

بعد از آن او را در حالیکه پسندیده و نیک بخت شده و بر و فاش تأسف خورده شده بود بسوی خود برد و امر خلافت و راهنمایی را بعد از خود به برادر و پسر عم و وصی و وارث خود علی بن ابی طالب علیه السلام واگذار نمود •
 و بعد از او امر امامت و خلافت را باوصیائیکه از ذریه او پند به یکیک سپرد ، و دین خود را با ایشان زنده گردانید و نور خویش را بمرتبہ کمال رسانید ، و در میان برادران و پسر عموها و اقربا ایشان فرق آشکار گذاشت که بسبب آن فرق حجت خدا از دیگران و امام از رعیت شناخته میشود و تمیز مییابد و فرق را بدین نهج قرار داد که ایشانرا از ارتکاب معاصی نگه

داشت و از عیبها بری ساخت و از آرایش ناپاک و چرك پاك و از شبهات منزّه نمود و ایشان را خازنان علم و امانت دار حکمت و محل سرّ خود گردانید و با معجزات و دلایل ایشان را مؤید نمود و اگر ایشان را باین موهبتها بر نمیگزید هرآینه همه خلائق با همدیگر برابر میشدند ، و هرآینه همه کس ادعای نبوت و امامت میکردند و حق از باطل و دانا از نادان تمیز نمییافت و این مبطل (یعنی جعفر بن علی) که بسبب ادعای خود بر خدا ایتعالی دروغ و افترا می بندد ، و ادعای امامت می کند ، نمیدانم آیا بکدام حالت و فضیلت امید داشته که این ادعا را با تمام برساند .

آیا این امید او بفاقت و مسئله دانی است در دین خدا بخدا سوگند یاد میکنم هرآینه حلال را از حرام نمیشناسد و در بین خطا و ثواب فرق نمیتواند بگذارد .
یا اینکه آیا با علم و دانشوری است ، هرآینه حق را از باطل و محکم آیات را از متشابهات نمیشناسد ، و کیفیت نماز و وقت آنرا نمیداند .

یا اینکه آیا بورع و تقوی الهی است پس خدا شاهد است باینکه او چهل روز نماز واجب را ترك نمود به گمان اینکه

بسبب ترك نماز در این مدت شعبده بازی یاد میکرد ، گاه است که این خبر بشما رسیده باشد ، و این است ظروف شراب او که آثار نافرمانی اوست نسبت بخداوند عزوجل و این مشهور است ، و الان همه جا ، بجاست .

یا اینکه این امید بسبب معجزه است که دارد پس بیاورد یا اینکه بسبب حجتی است پس اقامه نماید ، یا بسبب دلیلی است پس ذکر کند .

خداوند عزوجل در کتاب خود فرمود : که این سوره (حم) است .

یا اینکه تلاوت کن سوره (قلم) از آن گردانیدن قرآن است از جانب خدائیکه صاحب قهر و غلبه و حکمتست آسمانها و زمین و چیزهای آنها که در میان آنهاست نیافریدیم مگر با حکمت یعنی برای اینکه ساکنان آنها در مقام عبادت و بندگی ایستاده با او مرو نواهی الهی اطاعت نمایند و بانواع نعمتهای الهی در روز قیامت فائز شوند ، و آنانکه کافر شده اند از چیزی یعنی روز قیامت که از آن ترسانیده شده اند اعراض مینمایند یعنی از تفکر در کیفیت جزا و روز قیامت رو میگردانند .

یا مُحَمَّدٌ (ص) با کافران بگو که آیادیده اید آن بتهارا

که بغیر از خدای تعالی میخوانید ، و نیز بایشان بگو که بنمائید
 بمن آنچه را که آن بتها آفریده اند مانند زمین یا اینکه آنها
 را در آفرینش آسمانها با خدا شرکت دارند و اگر راست میگوئید
 در خصوص خالق بودن آنها کتابی بمن آرید که پیشتر از قرآن
 نازل شده باشد ، یا اینکه اندکی از علم یعنی خبری از انبیاء
 گذشته در این باب بمن نقل کنید ، و کیست گمراهتر از آنانکه
 غیر از خدای تعالی را میخوانند یعنی بتها را ، آنچنانکه اگر
 تا روز قیامت آنها را بخوانند هرگز ایشان را جواب نمیتوانند
 بدهند ، و بفریادشان نمیتوانند برسند و حال آنکه آنها از
 خواندن ایشان غافلند و خواندن ایشان را نمیشنوند و چون
 خلاق در روز قیامت جمع شوند آن بتها بابت پرستان ، و
 ستایش کنندگان آنها عداوت و دشمنی می ورزند و خداوند
 کردگار آنها را بسخن گفتن در میآورد تا اینکه بت پرستان
 بگویند که ما در دنیا شما را بعبادت و پرستش خود دعوت
 نکردیم .

بعد حضرت نوشته بودند که خدا ایتعالی بتو توفیق
 کرامت فرماید از این ظالم ، یعنی از جعفر خواهش کن آنها
 را که برای تو ذکر کردم یعنی ادله و براهین و معجزات و علم

و فقاہت و تقوی را که برای تو ذکر نمودم از او بخواه و او را با آنها امتحان کن و يك آیه از کتاب خدا از او بپرس که تفسیر نماید و کیفیت نماز واجب و چیزها ئیرا که در آن واجب است از او سؤال نما تا اینکه رتبه و پایه او را بدانی و عیب و نقصان و فرومایگی وی برای تو ظاهر و آشکار گردد و خدای تعالی در این باب محاسب او ست یا باوی است خدا حق را یعنی امامت را در نزد اهلش نگه دارد و در قرارگاه خود قرار دهد و خداوند عزوجل ابا دارد از اینکه امامت را بعد از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در دو برادر قرار دهد و وقتی که خدای تعالی در سخن گفتن ما را مأذون میفرماید آنگاه حق ظاهر و باطل مضمحل میشود و حسرت شما زایل میگردد و بخدای تعالی برای کافی بودنش بمن و کار نیکو کردنش در حق من امامت و صاحب شدنش با مورات من راغب و مایل میشوم و کفایت کننده همه ما خداست و چه خوب و کیلی است و خداوند رحمن بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله رحمت فرستد .

۱۱ - احمد بن حسن ابی صالح خجندی - شیخ

طوسی در کتاب الغیبه از شیخ صدوق او از عمار بن حسین

ابن اسحق او از احمد بن حسن صالح خجندی روایت نموده که گفته در خصوص صاحب الزمان الحاح میکردم و در شهر میگردیدم و عریضه بتوسط شیخ ابی قسم روح قدس الله روحه بخدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام نوشتم و در آن عریضه از مشغول بودن دلم بتفحص و جستجو شکایت کرده بودم ، و جوابی خواسته بودم که بسبب آن دلم آرام بگیرد و ضریقه رفتار خود را در این باب بدانم ناگاه در جوابم توقیعی درآمد که بدین نهج بود :

جواب حضرت حجّت علیه السلام - مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ
وَمَنْ طَلَبَ فَقَدْ دَلَّ وَمَنْ دَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَمَنْ أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ
یعنی هرکس در خصوص من تفحص نماید هرآینه مرا می طلبد و هرکه مرا بطلبد هرآینه مکان مرا بدیگران نشان میدهد ، و هرکه مکان مرا نشان دهد هرآینه خود را بهلاکت انداخته یا اینکه باعث قتل من شده ، و هرکه باعث قتل من شود یا خود را بهلاکت اندازد هرآینه بخدا شریک قرار داده و کافر میگردد و قتیکه بمضمون توقیع منیف مطلع شدم دست از طلب برداشتم و دلم آرام گرفت و دل شاد و مسرور بوطن خویش برگشتم حمد خدا را .

۱۲ - احمد بن ابی روح - در کتاب خرائج وارد شده که از احمد بن ابی روح روایت شده که او گفت بعزم بغداد بیرون رفتم و با خود بردم پاره ای اموالی که ابی الحسن حضر ابن محمد آنها را بمن سپرده بود تا اینکه آنها را خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام برسانم و بمن امر نموده بود که آنها را بابی جعفر محمد بن عبد الله عمری تسلیم نمایم او هم امر فرمود که بدیگری تسلیم نمایم و ابوالحسن بمن امر کرده بود که از آنحضرت در خصوص مرضی که بتن مبتلا بودم التماس دعا نمایم و در خصوص كرك بپرسم که پوشیدنش آیا حلال است یا نه ؟

پس داخل بغداد گشتم و بنزد ابی جعفر محمد ابن عبد الله عمری رفتم و اظهار مطلب نمودم او از قبول و قبض نمودن اموال ابا کرد و گفت بنزد ابی جعفر محمد بن احمد برو و اموال را باو تسلیم کن زیرا که صاحب الزمان علیه السلام او را بقبض و قبول این اموال مأمور فرموده و آنچه که میخواستی درآید .

پس بنزد ابی جعفر آمدم و اموال را باو تسلیم نمودم ناگاه رقعہ ای درآورد بمن داد که آن رقعہ بدین نهج بود :

” اینک فارسی آن رقعہ ” :

جواب حضرت حُجّه علیه السّلام :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - التماس کرده بودی
در خصوص مرضیکه یافته خدایتعالی تو را صحت و عافیت عطا
فرماید و آفات را از تو دفع کند و بعضی ناخوشیها را که از
حرارت در خود می بینی از تو برگرداند و دفع بکند و تو را
عافیت دهد و بدنت صحت میا بد و پرسیده بودی که آیا
نماز کردن در کرک و پشم شتر و خرگوش و روباه و پوست سمور
و سنجاب و فنک و دلّق و حوصله ها (فنک جانوری است که
از پوستش پوستین می دوزند و بسیار مرغوب است ، دلّق یعنی
دله شبیه به سمور کوچک است و حوصل مرغی است بزرگ جثه
که موهایش مانند پشم خرگوش میباشد و جعل الماء یعنی
اشترابی هم باو گفته میشود) جایز است یا نه ؟

اما سمور و روباه پس بر تو و بر دیگران حرام است نماز
کردن در آنها .

و حلال و جایز است نماز در پوست حیوان ماکول اللّحم
و قتیکه چیز دیگر در آن نباشد ، و اگر پوشش و ساتری که نماز
در آن جایز است برای تو مقدور نباشد هرآینه جایز است نماز

کردن در پوست حوصل و نیز جایز است نماز در پوستینهاییکه از پوست گوسفند است مادامیکه در ارمنیه (آن نام شهر است در کشور رم که طایفه نصاری در آنجا گوسفند را بالای صلیبها ذبح میکنند) ذبح نشده باشد ، پس برای تو پوشیدن آن جایز است در صورتیکه برادر دینی تو آنرا ذبح کرده باشد در خاتمه :

حدیثی از شیخ صدوق رحمه الله علیه که دال بر قیام مسعود مبارك حضرت صاحب الزمان علیه السلام است نقل میشود .

شیخ صدوق رحمه الله علیه — محمد بن علی بن حسین ابن موسی بن بابویه القمی شیخ جلیل القدر حافظ احادیث صحیحه ، وبصیر بحال رجال و ناقل اخبار و فقیه عالیقدر که در بین علمای قم مثل او کسی در حفظ احادیث مسلمه و کثرت علم پیدا نشده و در حدود سیصد جلد کتب علمی مفید تصنیف نموده و در سال ۳۸۱ هجری قمری وفات یافته در کتاب ثواب الاعمال از ابن ولیدا و از صفار او از عباد بن سلیمان او از محمد بن سلیمان او از پدرش روایت کرده که گفته است بابی عبد الله علیه السلام عرض کردم غرض از آیه (هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ

الغاشیة) چیست ؟

در جواب فرمود : مراد قائم آل محمد (ص) است که ظالمانرا با شمشیر احاطه میکند بعد پرسیدم (وَجُوهٌ یُّومِئِذٍ خَاشِعَةٌ) را چه مقصود است ؟

در جواب فرمود : یعنی بقائم آل محمد (ص) خضوع میکنند و طاقت ابا و امتناع او را ندارند . پرسیدم (عَامِلَةٌ) چه معنی دارد ؟

در جواب فرمود : مردم عمل بغیر ما انزل الله میکنند . سؤال کردم معنی (نَاصِیَةٌ) چیست ؟

در جواب فرمود : به خلافت منصوب گردیدند نالایقان پرسیدم معنی آیه (تَصَلُّیْ نَارًا حَامِیَةً) چیست ؟

در جواب فرمود : مراد از نار در دنیا ، نار حرب و شمشیر قائم (ع) است و در آخرت آتش جهنم . آیات فوق در سوره غاشیه قرآن مجید است .

مؤلف - بعضی از جوانان و افراد غیر محقق می پرسند فایده امام غایب چیست ؟ و چه سودی دارد ؟ اگرچه این خود بحث مفصل دیگری دارد که محلّ و نوشتن و جواب گفتنش در این رساله مختصر نیست ، ولی اجمالا باید دانست ،

بعضی از مسائل است که علم و علتش در نزد حضرت باری تعالی است و بشر را قوه فهم و ادراک آن نیست و منوط به حکمت بالغه الهی است که بمنظور خالی نبودن زمین از حجه چنین مقرر فرموده است ، اما آنچه که بر حسب ظاهر و عقل کوچک ما استنباط میشود همانا استفاده وجود امام غائب مانند استفاده از حرارت و فوائد آفتاب است در پشت قطعات ابرها .

آیا اگر ابر مانع دیدن خورشید شد میتوان گفت آفتاب بی فایده است ، مسلماً خیر . بالاخص که اخیراً دیده شده انرژی اتمی را در موقع و هنگامیکه هوا پوشیده از ابر است میگیرند و کاملاً استفاده مینمایند ، همینطور است اگر افراد با ایمان واقعا وجود مقدس صاحب الزمان علیه السلام را در پشت پرده غیبت معتقد و دانا باشند و بدانند آنحضرت ناظر اعمال ایشان است ابداً و هرگز مرتکب گناه نمیشوند مگر اشخاص غیر معتقد و غیر مسلمان که با ایشان بحث و حرفی نداریم .

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - حمد و ثنای بی حد و حصر ذات حضرت احدیت را سزا است که باین حقیر گناهکار نادان عنایتی فرموده و توفیق نوشتن این رساله مختصر مجوز را مرحمت فرمود .

صلوات بی شمار و درود بیحد بر حضرت محمد بن عبد الله
خاتم النبیین صلی الله علیه وآله و سلم و تمام ائمه هدای که
او صیای عظام آن سرور کائنات و اولیاء ناس اند .
بارالهی همه ما شیعیانرا بفضل و کرم عمیت ببخش
و پیامرز ، و بشفاعت محمد و آل محمد (ص) موفق و نائل
بگردان .

بالاخص این بنده ناچیز را بمقام مقدس حضرت حجه
بن الحسن العسکری علیهما السلام مورد عفو قراریده و ناشرین
و مؤلفین کتب مذهبی و جوانان و مؤمنین را هدایت و راهنمایی
بفرما و بسعادت دارین معزز بگردان آمین یارب العالمین .
بتاریخ جمعه شانزدهم شوال المکرم سال ۱۳۹۷ -
هجری قمری مطابق با هشتم مهر ماه سال ۱۳۵۶ هجری شمسی
ملتمس دعا از کل خوانندگان عظام و شیعیان عزیز میباشد .

وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی



صفحه	عناوین
۴ - ۱	مقدمه و علل طول عمر
۵	دلایل عقلی و نقلی بر صحت طول عمر
۱۰ - ۶	احوال علی بن عثمان یکی از معمرین
۱۲ - ۱۱	اسامی عده ای از معمرین در زمان قدیم و حال
	در معرفی و احوالات نواب اربعه و مکاتباتشان با امام زمان
۱۵ - ۱۳	علیه السلام .
	سؤال از بستن مئزر احرام و گفتن علی ملّه ابراهیم و دین محمد
۱۹ - ۱۷	صلی الله علیه و آله و جواب حضرت امام زمان (ع)
۲۱ - ۲۰	سؤال از خواندن قنوت و سجده شکر
	در اهمیت سجده شکر و سؤال از وقف در خریدن زمین غیر
	بدون رضایت مالک و تحلیل کنیز و ازدواج مجددش و دعای
۲۴ - ۲۳ - ۲۲	حضرت حجّه (ع) در باره سائل .
	مکاتبه محمد بن عبداللّه با امام زمان علیه السلام در باره روزه
۲۵	ماه مبارک شعبان و ماه رجب .
	سؤال از خواندن نماز در محمل و ملحق شدن مأوم به امام
۲۶	در حال رکوع .
	سؤال در شگی که پیش میآید در نماز ظهر بعد از ورود به

صفحه	عناوین
۲۷	نماز عصر سؤال باینکه آیا در بهشت زنان عادت زنانگی معمولی را می بینند یا خیر ، و در مورد ازدواج متعه بعد از بخشیدن بقیه مدت صیغه از طرف مرد .
۲۸	در شهادت دادن شخص مبتلا به مرض برص و جذام و جواب حضرت حجّه علیه السلام .
۲۹	سؤال در تزویج دختر زن و جواز و عدم جواز آن و جواب امام علیه السلام .
۳۰	در مطالبه طلب از شخصی و در مورد گذاشتن تربت حضرت پیّد الشهداء علیه السلام در قبر میت .
۳۱	در ساختن سبحه یا تسبیح با تربت حضرت امام حسین (ع) و فضیلت ذکر گفتن با آن سبحه .
۳۲	در سجده کردن بر قبور ائمه (ع) و طریقه خواندن نماز در نزد قبور ایشان .
۳۳	در دست گرفتن سبحه در دست هنگام قرائت نماز و طریقه فروختن مال موقوفه .
۳۴	در شهادت شخص کور و وقف زمین زراعتی
۳۵	

در شهادت بروقف و خواندن دو رکعت آخری نماز بجای
تسبیحات . ۳۶

در خوردن ربّ جوز و طریقه استخاره با انگشتری ، و در جواز
استخاره با نماز و رقعہ ها و طریقه و زمان خواندن نماز جعفر
طیار علیه السلام ۳۷ - ۳۸

در اداء مہریہ زن و طریقه و جوب و عدم وجوبش ۳۹
در نماز با پوست خرگوش و کرک و اختلاف روایات و جواب امام
زمان (ع) . ۴۰

نماز در پارچه عتابیہ اصفہانی و طرز مسح پا عا و طریقه خواندن
نماز جعفر طیار و در اشتباهیکہ در گفتن تسبیحات اربعہ
پیش میآید . ۴۱

جواب حضرت امام (ع) در مورد تسبیحات اربعہ و توقعیکہ
خطاب بہ محمد بن جعفر حمیری از ناحیہ مقدّسہ . ۴۲

بقیہ توقیع امام (ع) بہ محمد بن عبد اللہ حمیری ۴۳ الی ۴۷
معنی فارسی سلام و توقیع حضرت حجّہ (ع) بہ محمد بن عبید
اللہ حمیری . ۴۸ تا ۵۳

مکتوب اسحق بن یعقوب کہ بنا بہ خواهش او محمد بن

عناوین صفحه

عثمان عمری رضی الله عنه به عرض حضرت حجه علیه السلام
 رسانیده . ۵۴

معنی فارسی جواب دستخط حضرت حجه علیه السلام و
 حرمت فقاغ و عدم تجویز تعیین وقت ظهر آنحضرت و در رد
 طریقه عم (عمرو) آنحضرت بنام جعفر و پسرش . ۵۵
 تأیید محمد بن عثمان عمری و رد محمد بن علی بن مهزیار
 اهوازی و محمد بن شاذان بن نعیم و احوالات محمد بن ابی
 زینب اخذع . ۵۶

در علت غیبت و طریقه انتفاع شیعیان در زمان غیبت کبری ۵۷
 مکتوب شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه
 خدمت حضرت حجه علیه السلام و جواب سئوالات رسائل
 مربوطه . ۵۸

در حال کسانیکه اموال امام را حلال میدانند و ختنه اطفال
 و طریقه آن در کسانیکه هنگام نماز تصویر و چراغ در مقابل
 می گذارند و عدم جواز تصرف در اموال کسانی که اذن
 نداده اند . ۶۰

نظریه مؤلف در مورد غصب اموال مردم و جواب سئوال کسیکه

عناوین	صفحه
از میوه و سرد رختی بیرون آمده باغات می خورد و روایت علی ابن عاصم کوفی در مورد کسیکه نام حضرت حجة بن الحسن علیهما السلام را ببرد .	۶۱
خبری از محمد بن ابراهیم بن اسحاق در مورد اسم بردن علنی نام حضرت حجة (ع) را و حدیث محمد بن ابراهیم ابن مهزیار .	۶۲
در مورد خلف امام حسن عسکری بن خط حضرت حجة بن الحسن علیه السلام .	۶۳
پیشگویی حضرت حجة بن الحسن العسکری در مورد پدر محمد ابن ابراهیم بن مهزیار .	۶۴
مکتوب جعفر بن همدان و جواب حضرت حجة (ع) در مورد مردی که قرار گذاشته که از کنیزش بچه دار نشود و در مورد جازیه و فرزندش و تخصیص دادن مقداری از مال پدر جهت او .	۶۵-۶۶
جواب حضرت حجة علیه السلام در مورد امامت جعفر بن علی و بحث در مورد امامت او و مکتوب احمد بن اسحاق رحمة الله علیه در مورد جعفر بن علی .	۶۷ الی ۷۰

جواب حضرت حجّه علیه السّلام به احمد بن اسحق در مورد

ادعای امامت جعفر بن علی . ۷۱

دستخط شریف حضرت حجّه (ع) در وصف صفات پیغمبران

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . ۷۲ الی ۷۳

در وصف اخلاقیات جعفر بن علی که مدعی امامت بوده ۷۴ الی

۷۶ .

روایت احمد بن حسن بن صالح خجندی و جواب حضرت حجّه

علیه السّلام . ۷۷ الی ۷۸

روایت احمد بن ابی روح و تسلیم اموال به محمد بن عبد الله

عمری و تقاضای دعا نمودن از حضرت حجّه علیه السّلام برای

شفای مرض ابو الحسن و جواب حضرت قائم علیه السّلام ۷۹

الی ۸۰

حدیث شیخ صدوق رحمه الله علیه در قیام مسعود حضرت حجّه

علیه السّلام . ۸۱ الی ۸۲

در فوائد و استفاده در زمان غیبت امام علیه السّلام و نظریه

مؤلف در خاتمه کتاب . ۸۳ الی ۸۴